



ویژه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

تیر و مرداد ۱۴۰۲
۳۶ صفحه | شماره ۷۹



♦ نصرت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف شاه بیت زیارت اربعین

♦ از اربعین تا قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

♦ همراهی زنان با امام حسین علیه السلام و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

♦ درنگی در انتظار عاشورایی

♦ و ...



هر که دارد سوز در سینه
لله



ویژه امام زمان (عج) **امان**
تیر و مرداد ماه ۱۴۰۲
نشریه الکترونیکی امان شماره ۷۹

صاحب امتیاز:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) الشریف

سر دبیر:

حجت الاسلام محمد رضا نصوری

دبیر علمی:

حجت الاسلام تقی حاتمی

گرافیک و صفحه آرایی:

زهرا رجیبی شیزری



بنیاد ملی فرهنگ حضرت مهدی موعود

تهران، میدان فلسطین، ساختمان ستاد اقامه نماز،
طبقه چهارم
تلفن: ۰۲۱۸۶۰۳۵۶۸۳
۳۰۰۱۳۶۶ | سامانه پیامکی

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) الشریف، به عنوان نهادی فرهنگی، غیرانتفاعی و غیردولتی و دارای شخصیت حقوقی مستقل که دارای تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران می باشد؛ به منظور ترویج و توسعه فرهنگ مهدویت و آشناسازی اقشار جامعه. به ویژه نسل جوان با شخصیت امام مهدی (عج) الشریف و تحکیم پایه های امامت و ولایت، پس از کسب موافقت مقام معظم رهبری (عج) از سوی حجت الاسلام والمسلمین قرائتی در سال ۱۳۷۹ تأسیس گردید.



امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در زیارت ناحیه مقدسه:

فَلَا تَدْرِي بِبَنَاتِكَ صِبَا الْجَمَلِ وَمِيسَاءَ
وَلَا جَبْرِيْلَ ابْنِ الْبَلْبَلِ الْمَوْجِعِ كَمَا

هر صبح و شام بر تو گریه و شیون می کنم و در مصیبت تو به جای اشک، خون می گیرم.

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ادامه حسین عجل الله تعالی فرجه الشریف است و «انتظار» ادامه عاشورا و برآمده از آن.

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، فرزند حسین عجل الله تعالی فرجه الشریف است و فرهنگ «انتظار» برآمده از فرهنگ «عاشورا» و انتظار حسین دیگری را کشیدن.

یکی پشتوانه فرهنگی و زمینه ساز، برای دیگری است؛ یکی رمز «حیات شیعه» است و دیگری رمز «بقای آن»؛

یکی رمز «قیام و به پا خاستن شیعه» است و دیگری عامل «حفظ و استمرار آن»؛

«مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وارث عاشورا است؛ همچنان که «حسین عجل الله تعالی فرجه الشریف» وارث پیامبران است؛

عاشورا، دریچه ای به «انتظار» است و انتظار، تجلی آرزوها و آمال کربلا؛

فرهنگ عاشورا، دستمایه اساسی و مایه شکوفایی و بالندگی منتظران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر انتظار است.

انتظار، کربلایی دیگر است به وسعت همه جهان و مصاف حق و باطل است در زمانی دیگر؛ با این تفاوت که این بار، حق پیروز است

و چهره باطل، برای همیشه دفن می شود. انتظار همان کربلا است در وسعت همه زمین و در مقطع دیگری از تاریخ. در این مقطع،

فکرهای رشید از هر فرقه و ملتی، گلبانگ «دعوت مهدوی» را - که با ساحت و فطرت انسان ها همگون است - لیبک می گویند.

انتظار، ثمره کربلا است. بدون کربلا، انتظار بی معنا است. یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، همه کربلایی اند و در فراز و فرود تاریخ، غربال شده و

آبدیده اند. مگر می توان بی عاشورا، انتظاری دیگر داشت؟ انتظار بی عاشورا، انتظار بی پشتوانه است. حرکتی جهانی و به وسعت

آمال همه انسانهای تاریخ، پشتوانه و عقبه ای می خواهد به استحکام کربلا که هرگز به سردی و خاموشی نگراید. (۱)

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرچم افتاده حسین عجل الله تعالی فرجه الشریف را بر خواهد افراشت و آرمان های بلند او را تحقق خواهد بخشید.

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بذری را که حسین عجل الله تعالی فرجه الشریف در کربلا کاشت و دیگر امامان آن را بارور کردند و خودش در دوران غیبت به حراست آن همت

گماشت، بادستان پرتوانش غرس خواهد کرد. «انتظار و عاشورا» دو بال پرواز شیعه است؛ اگر این دو نبود، چشمه «غدیر» می خشکید.

برای ما ماندگان از صحنه عاشورا، یک راه بیشتر نمانده و آن ثبت نام در کلاس «انتظار» و درآمدن در خیل «منتظران» است که

حقیقت انتظار، همان در خیمه حسین عجل الله تعالی فرجه الشریف بودن است. آنان که در کربلا چکاچک شمشیرها را نچشیدند، باید مرارت «انتظار» را به

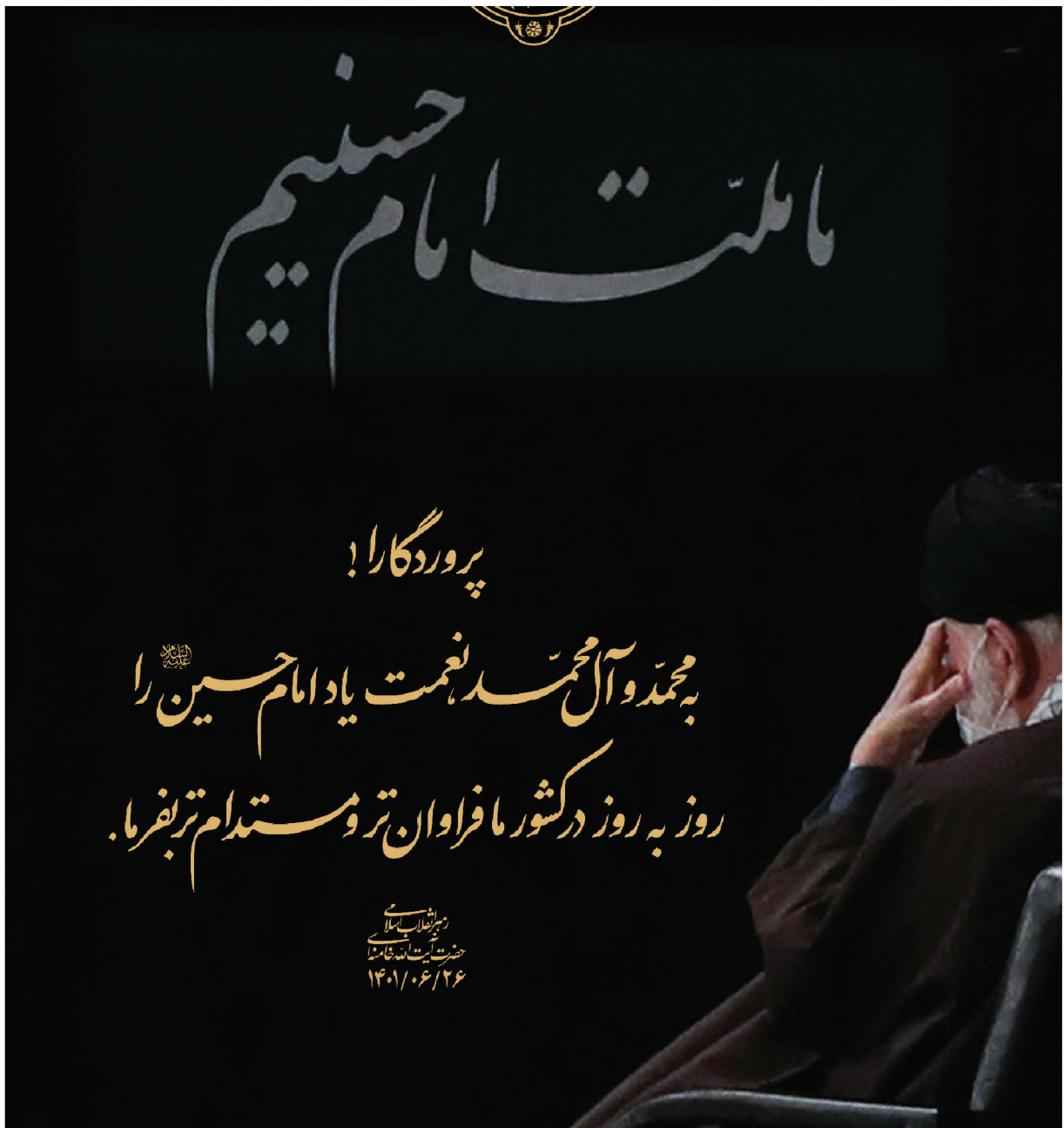
جان بخرند.

«عاشورائیان»، پیمان خود را به آخر بردند و «مهدویان» با کوله بار فرهنگ شهادت، چشم انتظارند تا آن عهده ای که با خدا و رسول بر

پاسداری از حرم و حریم ثار الله بسته اند، به انجام برسانند: «فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ» (۲)

۱. پیامبر (ص) می فرماید: «ان لقتل الحسين حرارة في قلوب المؤمنين لا تبرد ابدًا». مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸، ب ۴۹ ابواب المزار، ح ۱۳

۲. سوره مبارکه احزاب، آیه ۲۳: «پس بعضی شان از دنیا رفتند، و بعضی دیگر منتظرند».



پروردگارا! به محمد و آل محمد، نعمت یاد امام حسین را روز به روز در کشور ما فراوان تر و مستدام تر بفرما. پروردگارا! زبان‌هایی که با مدیحه‌ی حسین بن علی و خاندان پیغمبر حرکت میکنند، مورد لطف و برکت خودت قرار بده. پروردگارا! هیئتهای ما را، هیئتهای امام صادق پسند قرار بده؛ ما را سربازان جهاد عظیم این روزگار که «جهاد تبیین» است، قرار بده. پروردگارا! ارواح طیبه‌ی امام عزیز ما و شهدای بزرگوار ما را با ارواح طیبه‌ی اهل بیت (علیهم السلام) محشور بفرما؛ قلب مقدس فاطمه‌ی زهرا، صدیقه‌ی کبری (سلام الله علیها) را از ما راضی و خشنود کن؛ دل مبارک امام زمان، ولی عصر (ارواحنا فداه) را از ما راضی و خشنود کن؛ سلام ما و تحیات ما را به آن بزرگوار برسان و رضایت آن بزرگوار از ما را، شامل حال ما قرار بده.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

جسارت به ساحت مقدس قرآن مجید در سوئد، حادثه‌ای تلخ و توطئه‌آمیز و خطرآفرین است. اشد مجازات برای عامل این جنایت مورد اتفاق همه علمای اسلام است، دولت سوئد نیز باید بداند که با پشتیبانی از جنایتکار، در برابر دنیای اسلام آرایش جنگی گرفته و نفرت و دشمنی عموم ملت‌های مسلمان و بسیاری از دولت‌های آنان را به سوی خود جلب کرده است.

بخشی از پیام رهبر انقلاب
در پی جسارت به ساحت قرآن مجید در سوئد



اشد مجازات برای عامل جسارت به قرآن مورد اتفاق علمای اسلام است

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی جسارت به ساحت مقدس قرآن مجید در سوئد را حادثه‌ای تلخ و توطئه‌آمیز و خطر آفرین خواندند و تاکید کردند: اشد مجازات برای عامل این جنایت مورد اتفاق همه علمای اسلام است، دولت سوئد باید عامل جنایت را به دستگاه‌های قضایی کشورهای اسلامی تحویل دهد.

متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

جسارت به ساحت مقدس قرآن مجید در سوئد، حادثه‌ای تلخ و توطئه‌آمیز و خطرآفرین است. اشد مجازات برای عامل این جنایت مورد اتفاق همه علمای اسلام است، دولت سوئد نیز باید بداند که با پشتیبانی از جنایتکار، در برابر دنیای اسلام آرایش جنگی گرفته و نفرت و دشمنی عموم ملت‌های مسلمان و بسیاری از دولت‌های آنان را به سوی خود جلب کرده است.

وظیفه آن دولت آن است که عامل جنایت را به دستگاه‌های قضایی کشورهای اسلامی تحویل دهد. توطئه‌گران پشت صحنه نیز بدانند که حرمت و شوکت قرآن کریم روز به روز افزون‌تر و انوار هدایت آن درخشان‌تر خواهد شد، امثال این توطئه و عاملان آن، حقیرتر از آنند که بتوانند جلوگیری از درخشش روزافزون باشند.

والله غالبٌ على أمره
سید علی خامنه‌ای



انوار هدایت قرآن کریم
درخشان‌تر خواهد شد

۳۱ تیرماه ۱۴۰۲

ضرورت امام شناسی در اسلام

یکی از معارف اصیل در اندیشه‌ی اسلامی بویژه شیعه، امام شناسی و معرفت حجت الهی در هر زمان است. این بحث از آن جا اهمیت مضاعف پیدا می‌کند که پیوند عمیقی با مسئله‌ی نبوت دارد؛ زیرا به این پرسش اساسی پاسخ می‌دهد که پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چه کسی هدایت و مدیریت جامعه‌ی اسلامی و اجرای احکام دین و مقابله با انحرافات و بدعت‌ها را بر عهده دارد و مردم از چه کسی با چه اوصاف و خصوصیات باید پیروی کنند؟

به همین دلیل، مسئله‌ی امامت پس از نبوت، مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین مسئله در جامعه‌ی دینی و اسلامی است. در آموزه‌های دینی بر ضرورت امام شناسی به عنوان یک تکلیف همگانی و فراگیر در دوران حضور ائمه علیهم السلام و عصر غیبت تأکید شده است؛ به گونه‌ای که هیچ عذری در این خصوص پذیرفتنی نیست. چنان که امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«لَا يُعَذَّرُ النَّاسُ حَتَّى يَعْرِفُوا إِمَامَهُمْ؛ عذر هیچ کس از مردم [در پیشگاه خداوند] پذیرفته نیست، مگر اینکه امام خویش را بشناسند».

بخار الأنوار، ج ۲۳، ص ۸۸

ابن عباس نقل کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در معرفی اولین و آخرین وصی خود. که دنیا بدون او پایان نمی‌یابد فرمود:

«جانشینان و اوصیای من که پس از من حجت‌های پروردگار در میان مردم هستند، دوازده نفرند؛ اول آن‌ها برادرم و آخرین آنان فرزندانم خواهد بود. (عرض کردند: یا رسول الله! برادرت کیست؟) فرمود: علی بن ابی طالب علیه السلام، (عرض کردند: فرزندان کدام است؟) فرمود: مهدی علیه السلام؛ همان کسی که خداوند به وسیله‌ی او دنیا را پر از عدل و داد می‌کند، پس از آن که از ظلم و ستم پر شده باشد. سوگند به خدایی که مرا به پیامبری برانگیخت، اگر از دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را چنان بلند گرداند تا فرزندانم مهدی علیه السلام خروج کند و آن‌گاه عیسی روح الله از آسمان فرود خواهد آمد و پشت سر او نماز خواهد خواند و زمین از نور خداوند روشن خواهد شد و حکومت مهدی علیه السلام بر شرق و غرب عالم گسترش خواهد یافت».

(کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۰)

در این کلام پیامبر صلی الله علیه و آله، جمله شرطیه «لَوْلَمْ يَبْقَ... لَطَوَّلَ اللَّهُ...»، ضمن آن که بیانگر ظهور حتمی حضرت مهدی علیه السلام در آخرالزمان است، بر لزوم وجود امام تا قیامت نیز دلالت دارد؛ زیرا پایان عمر دنیا به ظهور آن حضرت مشروط شده است.

در نگاه شیعه، امامت، تداوم خط رسالت است و امام به عنوان وصی و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله با نصب الهی، امر رهبری و پیشوایی جامعه‌ی اسلامی و هدایت و مدیریت امور دینی و دنیوی مردم را بر عهده دارد.

در منابع روایی شیعه، احادیث زیادی درباره نقش محوری امام و وابستگی جهان به او، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اهل بیت علیهم السلام نقل شده است. در اینجا به برخی از این روایات اشاره می‌شود:

از امام عسکری علیه السلام روایت شده است که فرمود:

«أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ إِلَيْهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛

زمین تا روز قیامت از حجت الهی بر بندگانش خالی نمی‌ماند.» (کمال الدین، ج ۲، ص ۴۰۹)

از امام باقر علیه السلام نیز منقول است که فرمود:

«اگر زمین یک روز بدون امامی از ما خاندان باقی بماند، اهلش را فرو خواهد برد و خداوند آن‌ها را به اشد عذابش عقاب خواهد کرد. خدای تعالی ما را حجت در زمینش و وسیله‌ی امان اهل زمین قرار داده تا در میان ایشانیم، پیوسته در امان اند و زمین آن‌ها را در کام خود فرو نخواهد برد و چون خداوند اراده فرماید که آن‌ها را هلاک سازد و مهلتشان ندهد و به تأخیرشان نیندازد، ما را از میان آن‌ها بیرون و به سوی خود بالا خواهد برد، سپس هر چه خواهد و دوست داشته باشد، انجام خواهد داد.»

(دلائل الإمامة، ص ۴۳۶)

ابوحمزه‌ی ثمالی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: «آیا زمین بدون وجود امام باقی خواهد ماند؟» حضرت در پاسخ فرمود:

«لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ سَاعَةً لَسَاخَتْ؛

اگر زمین بدون وجود امام (واسطه فیض) بماند، ساکنان خود را در کام خود فرو می‌برد.» (کمال الدین، ج ۱، ص ۲۰۱)

همچنین روایت شده است:

«محمد بن فضیل گوید که به امام رضا علیه السلام عرض کردم: آیا زمین بدون امام باقی خواهد ماند؟ حضرت فرمود: «خیر». عرض کردم: از امام صادق علیه السلام برای ما روایت شده است که اگر خداوند بر اهل زمین یا بر بندگانش غضب کند، زمین بدون امام خواهد ماند! حضرت فرمود: «در آن صورت زمین باقی نخواهد ماند و متلاشی خواهد شد.»

(الکافی، ج ۱، ص ۱۷۹)



ابراهیم ابن ابی محمود از امام رضا علیه السلام روایت کرده است که حضرت فرمود:

«ما حجت‌های الهی روی زمین و جانشینان خدا در میان بندگانستیم... زمین هیچ‌گاه از قائمی از ما خالی نمی‌ماند؛ چه آشکار باشد، چه در حال ترس (مخفی) و اگر روزی امام در زمین نباشد، زمین اهلش را در خود فرو می‌برد، همان‌گونه که امواج دریا انسان را در کام خود فرو می‌برد.»

در روایت دیگری سلیمان بن جعفر حمیری گوید: از محضر امام رضا علیه السلام سؤال کردم:

آیا زمین از حجت خالی می‌ماند؟ حضرت فرمود:

«لَوْ خَلَّتِ الْأَرْضُ طَرْفَةَ عَيْنٍ مِنْ حُجَّةٍ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا؛ اگر زمین به اندازه‌ی چشم‌به‌هم‌زدنی از حجت خالی شود، اهلش را در خود فرو برد»

(عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۷۲)

بر اساس این روایات، زمین تا فرا رسیدن زمان قیامت، هیچ‌گاه از وجود حجت حئی و امام معصوم خالی نبوده و نخواهد بود؛ زیرا امام محور عالم وجود است و همان‌گونه که بقای نظام هستی به وجود امام معصوم وابسته است، فلسفه‌ی خلقت انسان و جهان نیز به وجود او باز می‌گردد.

در این زمینه از امام زین العابدین علیه السلام نقل شده است:

«ما امام مسلمانان و حجت الهی بر جهانیان و سرور اهل ایمان و پیشوای روسفیدان روز قیامت و اولیای مؤمنان هستیم. ما سبب امنیت و آرامش اهل زمینیم؛ همان‌گونه که ستارگان سبب ایمنی اهل آسمان‌اند. ماییم کسانی که خداوند به خاطرشان زمین را از نابودی با اهلش باز می‌دارد و باران را می‌باراند و رحمتش را می‌گستراند و برکات زمین را خارج می‌کند. اگر ما در زمین نبودیم، زمین با اهلش فرو می‌پاشید.»

(کمال الدین، ج ۱، ص ۲۰۷)

امام در نظام تشریح نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ به گونه‌ای که کسب معرفت او بر همه واجب و اطاعت از او عیار اطاعت از خداست. در این رابطه حضرت صادق علیه السلام در دعایی که به جناب زراره تعلیم داده این‌گونه می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي»

بر اساس این کلام نورانی، اگرچه معرفت توحیدی، مبدأ و سرآغاز دیگر معرفت‌هاست، به گونه‌ای که معرفت پیامبر و امام در پرتو آن حاصل می‌شود، اما کلید معرفت توحیدی و نبوی، کسب معرفت امام و حجت الهی است.

ادله ضرورت وجود امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ

روایت دیگری نیز به این دو مطلب (ضرورت وجود حجت الهی و عدم منافات آن با غیبت حجت الهی) اشاره کرده و چگونگی بهره مندی مردم از وجود امام در زمان غیبت را بیان فرموده است:

«عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَمْ تَخْلُو [تَخْلُ] الْأَرْضَ مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ فِيهَا ظَاهِرٌ مَشْهُورٌ أَوْ غَائِبٌ مَسْتُورٌ وَلَا تَخْلُو إِلَيَّ أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ فِيهَا وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَمْ يَعْبُدِ اللَّهُ قَالَ سَلِيمَانُ فَقُلْتُ لِلصَّادِقِ عَ فَكَيْفَ يَنْتَفِعُ النَّاسُ بِالْحُجَّةِ الْغَائِبِ الْمَسْتُورِ قَالَ كَمَا يَنْتَفِعُونَ بِالسَّمْسِ إِذَا سَتَرَهَا السَّحَابُ؛

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هیچ برهه ای از زمان - از وقتی که آدم خلق شد - ، زمین خالی از حجت الهی نبود. حال یا ظاهر و شناخته شده بود یا غایب و پوشیده و پنهان. نیز از حجت الهی خالی نخواهد ماند تا روز قیامت، چرا که اگر حجت الهی بر روی زمین نباشد، خدا عبادت نمی شود. سلیمان [راوی حدیث] پرسید: پس مردم چگونه از حجت الهی که غایب است و مستور و پنهان، بهره مندی شوند؟ فرمود: همانگونه که از خورشید زمانی که ابرها آن را پوشانده بهره مندی شوند.» (همان)

ادله «ضرورت وجود امام»، لزوم وجود امام و حجت الهی را در هر عصری بیان می کند و این با «ضرورت حضور امام» متفاوت است. آنچه که ما در غیبت امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ داریم، عدم حضور امام است، به صورت آشکار در میان امت، نه عدم وجود امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ در میان امت.

بنا بر این منافاتی بین این دو مطلب نیست. یعنی به حکم ادله ضرورت وجود امام، معتقد به وجود امام، در زمان غیبت هستیم؛ ولی به خاطر وجود برخی موانع، این وجود ظاهر و آشکار نشده است به گونه ای که هر کسی که بخواهد بتواند با او دیدار کند.

شاید سؤال از این جانشأت گرفته باشد که ادله ضرورت وجود امام، امام را اثبات می کند که به امور امت رسیدگی کند و آنان را هدایت کند و چون امام غایب است و مردم نمی توانند به راحتی به حضور ایشان برسند، پس اصلا مفید نخواهد بود و وجودش مثل نبودش می باشد.

پاسخ این است که حضور قابل دسترس امام در میان امت، یکی از فواید وجود امام است، نه همه فواید او. بسیاری از فواید و خیرات است که بر وجود امام مترتب است و وجود امام برای تحقق آن ها ضروری است.

بنابراین حضور امام ثمرات بسیاری دارد، از جمله هدایت تکوینی و وساطت فیض برای عالم که از شیون تکوینی امام است و بستگی به حضور ظاهری امام در میان امت ندارد.

به همین علت است که وجود امام غایب در بیان پیامبر گرامی خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به خورشیدی می ماند که پشت ابرها پنهان است. مردم خورشید را نمی بینند و به طور کامل از نور آن برخوردار نیستند، ولی این گونه هم نیست که از اساس از نور خورشید بی بهره باشند. چرا که وقتی خورشید در آسمان است اما پشت ابر باز روز است و با شب متفاوت است که شب زمان نبود خورشید است.

نور کم خورشید پشت ابر، زندگی را تداوم می بخشد. اگر همین نور کم نبود، مانند شب همه جا را ظلمت و تاریکی و مرگ و ناامیدی فرا می گرفت.

جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر گرامی خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرسید: شیعه در زمان غیبت قایم از وجود ایشان بهره می برد؟ پیامبر گرامی خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

بلی قسم به آن کسی که مرا به نبوت برگزید، شیعیان به وجود و به نور ولایت او در زمان غیبت منتفع می شوند و کسب نور می کنند مانند انتفاع و بهره مندی از خورشید، هر چند زمانی باشد که ابرها آن را پوشانده باشند. (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۳-۹۲)



حقوق ائمه علیهم السلام چیست؟

علی اقلیدی نژاد

ج. الگوپذیری

از دیگر حقوق و انتظاراتی که عنایت امامان معصوم علیهم السلام را در پی دارد، الگوپذیری است، قرآن کریم می فرماید: «مسلماً برای شما در [زندگی] رسول خدا سرمشق و الگویی نیکو بود.» (احزاب/۲۷) بر همین مبنا می توان نتیجه گرفت از آنجا که ائمه علیهم السلام جانشینان پیامبری باشند، آنان نیز الگو و سرمشق به شمار می روند. قرآن کریم الگو برداران حقیقی را دارای سه ویژگی مهم می داند:

۱. به خداوند امید داشته، مبدأ هستی را می شناسند.
۲. معاد را شناخته و به آن روزگار چشم امید دوخته اند.
۳. همواره به یاد خداوند هستند.

به راستی نیز که چنین باید باشد؛ زیرا الگو برداری میوه دو نهال معرفت و محبت است؛ اما این میوه بدون آفتاب درخشنده «امید و انتظار» به بهره برداری نمی رسد و در جوهره خود هنوز رنگی از ناپختگی و سختی دارد. حتی پس از امید نیز نمی توان در این راه بی محابا گام برداشت؛ چرا که دشواری ها یکی پس از دیگری ممکن است خورشید امید را به غروب ناامیدی ببرد. اما در اینجا تنها یاد و ذکر خالق و گرداننده امور است که می تواند بر این غروب نامبارک پیروز گشته، ابرهای تیره یأس را به کنار زند و سالک را در مسیر الگوگیری یاری رساند. فقط در این مراحل است که شیعه می تواند از عمق جان ترانه عاشورا را بسراید و زمزمه کند: «پروردگارا، زندگی و مرگم را همچون زندگی و مرگ محمد و خاندانش قرار ده.» (زیارت عاشورا)

و یا در جایی دیگر ادعایی گرانسنگ نماید و بگوید: «إِنِّي سَلَمْتُ لِمَنْ سَأَلْتَهُمْ وَ حَزَبٌ لِمَنْ حَازَتْكُمْ وَ وَ لِي لِمَنْ وَالَاكُمْ وَعَدُولِي لِمَنْ عَادَاكُمْ؛ من در صلح هستم با کسی که با شما در صلح است و در ستیزم با کسی که با شما در ستیز است و دوستم با دوستان شما و دشمنم با دشمنان شما.» (همان)

الف. حق دوستی

در این باره می توان به آیه مودت اشاره کرد. قرآن کریم می فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى؛ [ای رسول خدا] بگو من از شما اجر رسالت جز این نخواهم که به خویشاوندانم مودت بورزید.» (شوری/۲۳)؛ اما نکته سزاوار اشاره آن است که اگرچه دوستی اهل بیت علیهم السلام در بسیاری از نوشته ها به عنوان یکی از حقوق دانسته شده است؛ اما باید دانست که دوست داشتن نمی تواند به عنوان یک تکلیف به مانند دیگر تکالیف درخواست شود؛ زیرا دوستداری صفتی نفسانی است. از اینرو، درست تر آن است که محبت یکی از رهاورد های معرفت به شمار آید؛ به این معنا که پس از شناخت کمالات ائمه علیهم السلام، این صفت در شخص ایجاد خواهد شد. البته ممکن است پس از شناخت نیز محبت حاصل نگردد؛ مثل بسیاری از کفار و منافقین که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام را می شناختند و فضایل آنان را کاملاً می دانستند و هیچ محبتی نیز نداشتند و گاه کینه ای عمیق از آنان در دل داشتند. ولی برای محبت راهی جز معرفت نیست. به این لحاظ محبت را می توان حقی دانست که از پی معرفت می آید و سپس جلوه های عملی می یابد. شاید به همین خاطر بتوان آیات و روایاتی را که در مورد مودت اهل بیت علیهم السلام است، مرتبط با جلوه های رفتاری محبت دانست. بنابراین، رفتارهای حاکی از محبت نسبت به اهل بیت علیهم السلام از جمله حقوق آنان نسبت به پیروانشان محسوب می شود.

از این رو، احترام و رعایت ادب نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و همچنین ائمه علیهم السلام نیز از مصادیق همین جلوه ها به شمار می رود.

قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ؛ آنها که صدای خود را نزد رسول خدا پایین می آورند، همان کسان اند که خداوند دلهايشان را برای تقوا امتحان نموده و برای آنان آمرزش و پاداش عظیمی است.» (حجرات/۳)

ب. اطاعت و فرمانبری

پس از عبور از مراحل معرفتی و صعود به مرحله محبت و جلوه های رفتاری آن، می توان گام در راه اطاعت و فرمانبری گذارد. آن گاه که بدانیم اطاعت از معصومان علیهم السلام دنباله فرمانبرداری از خداوند تبارک و تعالی و فرستاده مکرم او است و ائمه علیهم السلام مظاهر و جلوه های صفات ربّانی و اولیای او هستند، می توان این حق را نیز به مقام اجابت رساند؛ چرا که مشمول این آیه مبارکه می باشند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالامر (اوصیای پیامبر) را»

(نساء/۵۹)

البته پیرو، در مرحله اطاعت متوقف نخواهد شد، بلکه با طی مراحل کمالی از اطاعت گذشته تا مرحله بالاتر، یعنی تسلیم پیش خواهد رفت.



۳. نجات بخشی ارتباط محبانه با اهل بیت علیهم السلام محدود به گناهی است که در آن اصرار بر گناه و ظلم به مؤمنین نباشد. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند: «محبت ما خاندان، گناهان را می پوشاند و حسنات را دو چندان می سازد و خداوند از جانب دوستان ما آنچه را از مظالم بندگان بر ذمه آنهاست بر عهده می گیرد، به استثنای اعمالی که با اصرار و به عنوان ستم بر مؤمنین انجام شده باشد، آنگاه به گناهان می گوید: تبدیل به حسنات شوید.»
ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۵۳

۴. محبت بهانه ای برای معصیت نباشد. امام باقر علیه السلام می فرمایند: «ای جابر! سلام مرا به شیعیانم برسان و به آنان اعلام کن که میان ما و خدای عزوجل خویشاوندی نیست و کسی جز با اطاعت و بندگی به او تقرب نمی یابد. ای جابر! هر که خدا را فرمان ببرد و ما را دوست بدارد، دوست ما است و هر که نافرمانی خدا کند، محبت ما به حالش سودی ندارد.»
بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۱۷۹

سخن آخر

با تأمل در آنچه گفته شد، می توان دریافت که شور و شعور، هر دو مکمل یکدیگرند؛ اما آنچه شوری حقیقی را نتیجه می دهد، جز شعور نیست. بنابراین، با معرفت و رابطه ای عارفانه است که می توان گام در راهی چنین عاشقانه گذاشت.

معرفت، محبت و اطاعت

یکی از مشکلات امروزی در فرهنگ عمومی ارتباط با ائمه علیهم السلام، عدم توازن مناسب بین معرفت و محبت است. همین امر هم باعث تأکید بر محبت گردیده و سوء تفاهم هایی را به وجود می آورد.

مسئله، زمانی شکل حادثر به خود می گیرد که محبت از سوی برخی دینداران به بهانه ایجاد روح امید به شکلی افراطی در بدنه فرهنگی جامعه تزریق می گردد. بسا مداحان، مبلغان و افرادی که با غفلت و به دور از همه جانبه نگری بر طبل عشق و محبت به اهل بیت علیهم السلام می کوبند، بدون آنکه این گونه روایات مطلق را در کنار دیگر روایات مقید و مشروط بنشانند تا نتیجه ای منطقی به دست آورند.

گونه شناسی روایات دوستداری اهل بیت علیهم السلام

این روایات به دو گروه کلی تقسیم می گردند:

گروه اول: روایاتی که به صورت مطلق بر دوستداری اهل بیت علیهم السلام تأکید می کنند و آن را شرط کافی برای رسیدن به ثواب ها و بخشش گناهان می شمارند که از باب نمونه به برخی اشاره می نماییم:

۱. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «محبت علی، گناهان را می سوزاند، همان گونه که آتش هیزم را می سوزاند.»

بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۲۶۶

۲. امام صادق علیه السلام فرمودند: «هر کس ما را دوست بدارد و خدا را دیدار کند، در حالی که به قدر کف دریا دارای گناه باشد، بر خدا حق است که او را بیامرزد.»
همان، ج ۲۷، ص ۱۲۱

گروه دوم: روایاتی که حب اهل بیت علیهم السلام را شرط لازم اما ناکافی می شمارند. این دسته از روایات مسئله نجات بخشی حب اهل بیت علیهم السلام را مشروط به موارد زیر می سازند:

۱. حب اهل بیت علیهم السلام می بایست در کنار دیگر عبادات قرار گیرد و رابطه ای متوازن میان محبت، عبادت و اطاعت برقرار شود. امام رضا علیه السلام در این باره می فرمایند: «نه عمل صالح و تلاش در عبادت را به اتکای محبت اهل بیت رها کنید و نه محبت اهل بیت و تسلیم آنان بودن را با تکیه بر عبادت؛ زیرا هیچ کدام بدون دیگری پذیرفته نمی شود.» (فقه الرضا، ص ۳۳۸)

۲. حب اهل بیت علیهم السلام بر اساس منافع شخصی و دنیوی نباشد. امام صادق علیه السلام می فرمایند: «هر کس ما را و دوستدار ما را دوست بدارد، نه برای اینکه از این راه به بهره ای دنیوی برسد و با دشمن ما دشمنی کند، نه به خاطر کینه ای که نسبت به او در دل دارد؛ آن گاه این چنین فردی در روز قیامت بیاید، در حالی که به قدر شن های متراکم صحرا و کف دریا دارای گناه باشد، خداوند تعالی او را می آمرزد.» (بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۵۴)

«دفاع از امام و نصرت او»

تنها بستر

«دفاع از توحید و نصرت خدا»

نصرت اولیای الهی تنها بستر نصرت خدای متعال

خداوند در سوره مبارکه زخرف می‌فرماید: زمانی که فرعونیان طغیان کردند و ما را به «أسف» آوردند، از آنها انتقام گرفتیم: «چون ما را به خشم آوردند از آنان انتقام گرفتیم، پس همه را غرق کردیم» برای این که به «أسف آوردن خدای متعال» درست معنا شود و به معنی تشبیه به مخلوقات گرفته نشود، امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«او مثل مخلوقات متأثر نمی‌شود بلکه اولیایی دارد که آنها مخلوق و مربوطند و تأسف و رضا دارند. خدای متعال رضای آنها را رضای خود و سخطشان را سخط خود قرار داده است.» «لَأَنَّهُ جَعَلَهُمُ الدُّعَاةَ إِلَيْهِ وَالْأَدْلَاءَ

عَلَيْهِ فَلِذَلِكَ صَارُوا كَذَلِكَ» (الکافی ج ۱ ص ۱۴۴) و دلیلش هم همین است که آنها «داعی» و «دلیل الی الله» هستند. هم شروع دعوت از اوست و هم راهنمایی در طول راه. نباید گمان کنیم این مابیم که سیر به سمت خدای متعال و ولی الله را شروع می‌کنیم. بلکه با دعوت او شروع می‌شود. پس، «ان تنصروا الله» یعنی «ان تنصروا رسوله» شاهدش هم آیات قرض به خدای متعال است که به صله امام تفسیر شده است. در کافی فرمود:

امام صادق علیه السلام فرمودند: کاری نزد خدا محبوبتر از رسانیدن درهم به امام نیست. همانا خدا درهم امام را در بهشت مانند کوه احد قرار می‌دهد.

خدای تعالی در کتابش می‌فرماید «کیست که بخدا وامی نیکو دهد تا خدا وام او را بسیار چند برابر سازد».

امام صادق علیه السلام فرمود:

«بخدا این وام خصوص صله به امام است.»

اصول کافی، ترجمه مصطفوی، ج ۲ ص ۴۸۸ و مزد این قرض نیز به «اضعاف کثیر» است. «اضعاف کثیر» نیز به معنای «مالا یحصى» است. یعنی مزد آن از شماره و حساب بیرون است.

حجت الاسلام والمسلمین میرباقری

ویژگی‌ها و لوازم نصرت امام

در زیارت نامه‌های اصحاب سیدالشهداء علیه السلام تعابیر خاصی در باب ایشان موجود است. مثلاً در کتاب مزار شهید اول آمده است که: «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا أَنْصَارَ اللَّهِ وَ أَنْصَارَ رَسُولِهِ وَ أَنْصَارَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَنْصَارَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَ أَنْصَارَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ أَنْصَارَ الْإِسْلَامِ» و یا می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ أَيُّهَا الدَّابُّونَ عَنْ تَوْحِيدِ اللَّهِ» اگر ما دوست داریم که از یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه باشیم باید این صفات یاران امام حسین علیه السلام را تحصیل کنیم. یکی از آن صفات، «نصرت خدای متعال» است. آن چنان که در زیارت توضیح داده اند این نصرت همان نصرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیر المومنین علیه السلام و امام حسن و امام حسین علیه السلام است.

راه باقی ماندن نعمات، بازگرداندن امکانات و داشته‌ها به خدای متعال

ما باید بدانیم که خدای متعال، محتاج نصرت کسی نیست. در سوره مبارکه محمد صلی الله علیه و آله، خدای متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ». امیر المومنین علیه السلام در توضیح این آیه شریفه می‌فرماید: «وَ خُذُوا مِنْ أَجْسَادِكُمْ فَجُودُوا بِهَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ وَ لَا تَبْخُلُوا بِهَا عَنْهَا فَقَدْ قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبُتْ أَقْدَامَكُمْ وَ قَالَ تَعَالَى مَنْ ذَا الَّذِي يقرضُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا فَيضاعفه لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۳) یعنی جسم خود را خرج جان‌توان کنید و از این کار بخل نورزید. شما اگر دین خدای متعال را یاری کنید و شهید شوید به خود بخشش کرده‌اید. در واقع حیات این دنیا را خرج «حیات طیبه» و «دار البقاء» کرده‌اید. با این حال خدای متعال این کار شما را یاری خودش فرض کرده و به عنوان مزد، شما را نیز یاری می‌کند. با این خرج کردن جسم برای جان، خدای متعال انسان را به ثبات قدم و حیات طیبه می‌رساند: «يَثْبُتْ أَقْدَامَكُمْ».

در باب انفاق هم این تعابیر آمده است. جان و مالتان را خرج ثبات قدم خود کنید برای اینکه خودتان بمانید. کسی که در کشتی است در زمان طوفان، سرمایه و مالش را به دریا می‌اندازد تا خودش بماند. ولی این جا در دریا انداختن نیست بلکه معامله با خدای متعال است. ما باید بدانیم که نمی‌توانیم چیزی را نگه داریم. ما خودمان فانی هستیم پس چطور می‌خواهیم جان یا مالمان را نگه داریم؟ ولی خدای متعال که باقی است و سرچشمه بقاست هر چه به او برسد را به بقاء می‌رساند. هر چه در دست ما بماند فانی است. امامان که «شفعاء دار البقاء» هستند ما را از «دارالفناء» به «دارالبقاء» می‌برند و فانی را باقی می‌کنند چون امام همان وجه الهی است که باقی است. «وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ». در باب انفاق هم این تعابیر آمده است.

جان و مالتان را خرج ثبات قدم خود کنید برای اینکه خودتان بمانید. کسی که در کشتی است در زمان طوفان، سرمایه و مالش را به دریا می‌اندازد تا خودش بماند. ولی اینجا در دریا انداختن نیست، بلکه معامله با خدای متعال است. ما باید بدانیم که نمی‌توانیم چیزی را نگه داریم. ما خودمان فانی هستیم پس چطور می‌خواهیم جان یا مالمان را نگه داریم؟ ولی خدای متعال که باقی است و سرچشمه بقاست هر چه به او برسد را به بقاء می‌رساند. هر چه در دست ما بماند فانی است. امامان که «شفعاء دار البقاء» هستند ما را از «دارالفناء» به «دارالبقاء» می‌برند و فانی را باقی می‌کنند چون امام همان وجه الهی است که باقی است. «وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ». (الرحمان/ ۲۷)

مارعاجام

حتو از نو کتدره مند مارکوانند



ضرورت توجه «انصار اولیاء الله» به بی نیازی امام از «نصرت ایشان» و نیاز آن ها به این «نصرت»

در صله یا نصرت امام هم، باید دانست که امام، محتاج مال یا جان او نیست. لذا در روایت است که اگر کسی به امام صله ای برساند ولی گمان کند که امام محتاج صله او بوده «مشک» است. اگر امام صله ما را می گیرد به خاطر خود ماست. در قرآن آمده است که «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (توبه/۱۰۳) یعنی رسول خدا با قبول صدقاتشان، نه مالشان بلکه جانشان را تزکیه می کند. پس اگر کسی جانش را بدهد چه می شود؟ امام، معدن طهارت و قدس است بنابراین قبول صدقه توسط امام موجب تزکیه می شود. بعد از پذیرش صدقات نیز خدای متعال می فرماید: «بر آنها صلوات بفرست تا به سکینه برسند» چون در حال عطای مالشان ممکن است دچار اضطراب شوند. صلوات تو باعث می شود که آنها به سکون نفس و مقام جود و سخا برسند و با طمأنینه اموالشان را بدهند. لذا امام، مال یا جان را می پذیرد و شخص را تطهیر می کند و آنچه را گرفته به بقاء می رساند و وارد «دار البقاء» می نماید و با صلوات خود به انسان، «سکون، اطمینان نفس و سخاوت» می بخشد.

نصرت امام، دفاع از توحید است و انصار ائمه «الذابون عن الله» هستند

اگر اصحاب سید الشهداء (علیهم السلام) که خودشان را وقف یاری امام خود کرده اند «الذابون [مدافعان] عن توحید الله» خوانده شده اند به این دلیل است که ائمه (علیهم السلام)، ارکان توحید و دعائم دینند. چون ایشان «داعی الی الله» اند و تا دعوت ایشان در عالم تجلی نکند توحید در عالم ظاهر نمی شود و تا نور ایشان که «مَثَل نور الهی» است نتابد کسی به توحید نمی رسد. لذا دفاع از چنین شخصیتی، «الذب عن توحید الله» است.



به صورت مجازی قرآن مهدی... Ahrar_group

آیه ۱۰۵ سوره انبیاء

در این آیه ی شریفه آمده است:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛

ما پس از تورات در کتاب زبور چنین نوشتیم که در آینده، صالحان و پاکان وارثان زمین خواهند بود.

در تفسیر علی بن ابراهیم قمی ذیل این آیه نقل شده است:

«فَبَشَّرَ اللَّهُ نَبِيَّهُ أَنَّ أَهْلَ بَيْتِكَ يَمْلِكُونَ الْأَرْضَ وَ يَزْجَعُونَ إِلَى الدُّنْيَا وَ يَقْتُلُونَ أَعْدَاءَهُمْ؛

خداوند با نزول این آیه به پیامبرش بشارت داد که اهل بیتش سراسر جهان را تصرف خواهند کرد و

[آنانی که از دنیا رفته اند] به این دنیا باز خواهند گشت و دشمنانشان از بین خواهند رفت.»

از امام موسی بن جعفر علیه السلام نیز در تفسیر آیه ی فوق روایت شده است:

«أَلْ مُحَمَّدٍ وَ مَنْ تَابَعَهُمْ عَلَى مِنْهَا جِهَهُمْ؛

مراد از آیه، آل پیامبر صلی الله علیه و آله و کسانی اند که از شیوه ی ایشان پیروی می کنند.»

هم چنین از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

«قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ هُمْ أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ»؛

مراد از سخن خدای عزوجل، که بندگان صالح، زمین را به ارث خواهند برد،

یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه در آخر الزمان است.

تَمَامِ هَسْتِي بِاتُوقِيَمَتُ مَرِّ كِيرِد!

غیبت امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَةَ الشَّرِيفِ (قسمت چهارم)

حجت الاسلام قنبر علی صمدی

فواید و آثار امام غایب

غیبت امام دوازدهم به معنای انقطاع او از جامعه نیست، بلکه ایشان در جامعه به طور ناشناس و غائبانه، حضور تأثیرگذار دارد. اگرچه غیبت امام موجب محرومیت جامعه از رهبری و مدیریت مستقیم ایشان شده است، اما تصرفات ولایی و آثار و برکات ناشی از شئون امامت آن حضرت، هیچ گاه تعطیل نمی شود و هم چنان عنایات و اشراف مستقیم و غیرمستقیم آن حضرت، شامل حال مردم خواهد بود. امام غائب در روایات به خورشید پس ابر تشبیه شده است؛ چراکه در بینش اعتقادی شیعه، وجود مقدس امام، چه در حال غیبت و چه در حال ظهور، حجت الهی بر بندگان و رابط میان خلق و خالق است و هم چون خورشید عالم تاب، مربی و هادی انسان هاست. فواید امام غائب به لحاظ نوع اثر، به دو گونه ی تکوینی و تشریحی تقسیم می شود. فواید تکوینی امام غائب، ناظر به فیض وجود انسان، جهان و نعمت های مادی و معنوی است که همه ی ممکنات را در بر می گیرد. مراد از فواید تشریحی امام غائب نیز ابعاد هدایت بخشی مستقیم و غیرمستقیمی است که در پرتو عنایات ویژه ی آن حضرت نصیب فرد و جامعه می شود. در اینجا به برخی از فواید امام غائب در عرصه ی تکوین و تشریح اشاره می شود:

یک. واسطه ی فیض وجود

در تفکر اعتقادی شیعه، واسطه ی فیض میان خلق و خالق، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه طاهرین عَلَيْهِمُ السَّلَام هستند و فیض الهی از طریق آن ذوات مقدس به مخلوقات عالم افاضه می شود. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در این باره فرمود: «نَحْنُ السَّبَبُ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ ما اهل بیت، واسطه ی میان شما و خداوند هستیم.» (بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۱۰۱)

در این عصر و زمان، واسطه فیض، حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرج الشریف است؛ زیرا واسطه ی فیض در هر زمانی، حجت حی الهی در همان زمان است. پیش تر اشاره شد که زمین هیچ گاه از وجود حجت خدا خالی نمی ماند، و گرنه زمین و اهلیش فرو ریخته و ساقط می شوند: «لَوْ خَلَّتِ الْأَرْضُ طَرْفَةَ عَيْنٍ مِنْ حُجَّةٍ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا». (همان، ص ۲۹) منظور از «حجت» در روایت، امام حی است و مراد از «ارض» نه فقط کره ی خاکی، که همه ی کائنات است و همه ی عالم را شامل می شود.

دو. واسطه ی دریافت نعمت

همه ی نعمت های مادی و معنوی از مجرای ولایت امام بر دیگر مخلوقات سرایت دارد. از این رو امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى واسطه ی نعمت، کانون عالم هستی، مایه ی ثبات آسمان و زمین و علت ارتزاق مخلوقات معرفی شده است: «بِئَمْنِهِ رَزَقَ الْوَرَى وَ بِوُجُودِهِ تَبَتَّتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ وَ بِهِ يَمَلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا؛ به برکت وجود او همگان روزی می خورند و به سبب وجود او زمین و آسمان پابرجاست و به واسطه ی او زمین از عدل سرشار می شود، پس از آنکه ظلم فراگیر شده باشد.»

(مفاتیح الجنان، دعای عدلیه، ص ۴۲۳)
امام هادی عَلَيْهِ السَّلَام نیز در زیارت جامعه کبیره، جایگاه محوری امامان را چنین توصیف می کند: «يَكُمُ فَتَحَ اللَّهُ وَ يَكُمُ يَخْتِمُ وَ يَكُمُ يُنَزِّلُ الْعَيْتَ وَ يَكُمُ يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ...؛ خداوند با شما آغاز می کند و به شما ختم می کند و به برکت شما باران را فرو می بارد و به یمن وجود شما آسمان را نگه می دارد تا بر زمین سقوط نکند.» (من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۵)
از این رو امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام به همگان سفارش فرمود تا خواسته های خویش را با واسطه اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام از خدا طلب کنند:

«مَنْ دَعَا اللَّهَ بِمَا أَلْفَحَ وَمَنْ دَعَاهُ بِغَيْرِنَا هَلَكَ وَ اسْتَهْلَكَ؛ هرکس خدا را به ما بخواند رستگاری می گردد و هرکس خدا را به غیر ما بخواند نابود می گردد و نابود می گرداند.» (الأُمَلِي، شیخ طوسی، ص ۱۷۲)

سه. واسطه‌ی معرفت و عبودیت

دریافت فیض معرفت و رسیدن به مقام عبودیت خدا، تنها از راه معرفت ولی معصوم ممکن است. امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید: «بِنَا عِبْدَ اللَّهِ وَبِنَا عَرَفَ اللَّهُ وَبِنَا وَحَدَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَ مُحَمَّدٌ حِجَابُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى؛ به وسیله‌ی ما خدا پرستش و شناخته شد و به وسیله‌ی ما اعتقاد به یگانگی خدا تحقق یافت و محمد صلی الله علیه و آله و سلم حجاب خداست». (الکافی، ج ۱، ص ۱۴۵)

آن موجودات قدسی، حجت‌های الهی بر بندگان اند و خداوند آنان را برای دین‌داری بندگان و ثواب و عقاب آنان، شاخص و حجت قرار داده است.

نش. احیاگر روح امید

یکی از آثار وجود امام غایب، امیدبخشی و دمیدن روح زندگی، پس از سرخوردگی و ناامیدی فراوان است، تا احساس تشنگی به عدالت در فرد جامعه زنده بماند. امام صادق علیه السلام به منصور صیقل فرمود: «يَا مَنْصُورُ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بِعَدَايَا؛ ای منصور! این امر (ظهور حکومت عدل الهی) به سراغ شما نمی‌آید، مگر پس از ناامیدی از حکومت‌های بشری و غیر الهی.». (الکافی، ج ۱، ص ۳۷۰)

نیز از ابی سعید خدری نقل شده است:

«ذَكَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِلَاءَ بَصِيبٍ هَذِهِ الْأُمَّةِ، حَتَّى لَا يَجِدَ الرَّجُلَ مَلْجَأً يُلْجَأُ إِلَيْهِ مِنَ الظُّلْمِ، فَيَنْتَعِثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ عَشْرَتِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، فَيَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا، كَمَا مَلِئْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از بلایی خبر داد که این امت به آن گرفتار می‌شود؛ به گونه‌ای که کسی از کثرت ظلم و ستم جایی نمی‌یابد تا بدان پناه برد. آنگاه است که خداوند مردی از خاندان او را ظاهر می‌کند که جهان را پراز عدل و قسط می‌نماید، همان‌گونه که پراز ظلم و ستم شده بود.»

(عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب امام الأبرار، ص ۴۳۶)

این حدیث گویای آن است که یأس و ناامیدی مردم، پس از درک ظلم و ستم فراوان حاصل می‌شود؛ این تجربه‌ی تلخ، بشر را وادار خواهد کرد تا به نجات بخش موعود روی آورد.

چهار. باعث دفع بلاء

امام مایه‌ی امنیت و آرامش انسان‌ها و سبب دفع بلا از آنان است؛ چنان‌که در کلمات خود امام عصر علیه السلام آمده است: «وَإِنِّي لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ؛ من مایه‌ی امان اهل زمین هستم.» (کمال الدین، ج ۲، ص ۲۳۹)

«أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ وَبِي يَدْفَعُ اللَّهُ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِي وَشِيعَتِي؛ من خاتم اوصیا هستم و به خاطر من، خدا بلا را از اهل و شیعیانم دور می‌کند.» (الغیبة للطوسی، ج ۱، ص ۲۴۶)

مراد از «اهل» در این روایت، خانواده نیست؛ بلکه همه‌ی کسانی که در زمره‌ی پیروان اهل بیت علیهم السلام هستند را شامل می‌شود و «واو» در «وَ شِيعَتِي» عطف تفسیری است.

پنج. حافظ دین و مذهب

امام حافظ اصالت دین است؛ چراکه اگر او رهبری نکند، دین دستخوش انحرافات می‌شود. منظور از حفظ شیعه، حفظ کل دین و تفسیر معصومانه از دین است.

در توجیه صادر شده از ناحیه‌ی امام عصر علیه السلام خطاب به شیخ مفید چنین آمده است: «إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاغَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ الْأَوَاءُ وَ اضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ؛ ما در رسیدگی به شما کوتاهی و اهمال نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم که اگر جز این بود، دشواری‌ها و مصیبت‌ها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان، شما را ریشه‌کن می‌کردند.» (الإحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷)

بدون شک با وجود خفقان شدید در دوران بنی‌امیه و بنی‌عباس، حفظ خط تشیع، مدیون و مرهون ائمه علیهم السلام، مخصوصاً امام عصر علیه السلام است.





آثار ظهور امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ

یکی از خواسته های بنیادین بشر خسته ی امروز، یافتن دور نمایی از آینده ای روشن و پر امید است که از بدو پیدایش انسان و هبوط حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ تاکنون، بشارت فرارسیدن آن داده شده است: آینده ای درخشان که شکوه و عظمت آن، دل های مالمال از انتظار و شوق را مدهوش خود کرده و همین جذابیت، بستر طرح پرسش های گوناگونی درباره آن شده است. یکی از این پرسش ها درباره آثار و تحولات ظهور و موعود ادیان است. باید گفت در این دوره بشر شاهد تحولات شگرفی در زمینه های مختلف خواهد شد که همگی در راستای تکامل جامعه بشری قرار دارند.

تکامل بشر و جامعه بشری به معنای شکوفا شدن و به فعلیت رسیدن همه امکان ها و استعدادها و ظرفیت های آن است. از طرفی باید توجه داشت که بشر و جامعه بشری دارای استعدادهای متعدد و متنوعی است که تکامل حقیقی با شکوفایی و به فعلیت رسیدن همه آنها تحقق می یابد. از آنجا که بشر موجودی دو بعدی است، برخی از این استعدادها و در نتیجه، برخی از این ابعاد تکامل، ناظر به زندگی مادی و برخی دیگر، ناظر به بعد معنوی و اخلاقی بشر است. از این رو تکامل حقیقی بشر - که وعده ی تحقق آن در عصر ظهور آورده شده است - همه ی جنبه های حیات بشری را در بر می گیرد و پاسخ گوی همه ی نیازها و خواسته های وی - چه در دایره امور معنوی و چه در قلمرو امور مادی - خواهد بود. در اینجا می کوشیم تا دورنمایی از مهم ترین ابعاد جامعه ی بشری در آن عصر طلایی را به کمک احادیث و روایات به دست آوریم.

یک. تکامل فکری

در زمان ظهور و برپایی دولت کریمه امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى سطح اندیشه و فکر مردم به نحو چشم گیری بالایی رود. امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ در این باره می فرماید: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَصَّحَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَيَّ رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَعْلَامَهُمْ؛ وقتی که قائم ما قیام می کند، خدا دست لطفش را بر سر بندگان می نهد و بدین وسیله عقل های پراکنده ی آنها را جمع می کند و اندیشه آنان را به حد کمال می رساند». (کافی، ج ۱، ص ۲۵)

دو. رشد معنویت و اخلاق

یکی دیگر از جنبه های تکامل بشری در عصر موعود را می توان در وادی معنویت و اخلاق جست و جو کرد. متأسفانه در دنیای کنونی در کنار توسعه ی صنایع و علوم، شاهد روند نزولی سیر بشریت در حوزه اخلاق بوده ایم؛ اما در آن دوران طلایی، رشد جنبه های مختلف حیات بشری، چه مادی و چه معنوی، متوازن خواهد بود.

امام حسن عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرماید: «خداوند در آخر الزمان مهدی را بر می انگیزد و کسی از منحرفان و فاسدان نیست، مگر این که اصلاح گردد». (به نقل از اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۲۴)

حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ از رخت بر بستن بدی ها و ناراحتی ها و جایگزین شدن خیر و نیکی به جای آن در این دوران خبر می دهد. (الشیعه والرجعه، ج ۱، ص ۱۶۷)

و در جای دیگر می فرماید: «وَلَدَّهَبَتِ الشَّخَنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ؛ کینه توزی از دل های بندگان خارج می شود» (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶) همه ی این امور از استقرار و بسط اخلاق و معنویت حکایت دارد.

سه. رشد علم و فرهنگ اسلامی

از دیگر موارد پیشرفت و تکامل بشری در این دوران، بالا رفتن آگاهی های دینی و مذهبی همگان است.

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرماید: «در روزگار مهدی به اندازه ای به شما حکمت و فهم داده خواهد شد که یک زن در خانه اش به طریق کتاب خدا و سنت پیامبر قضاوت می کند». (همان، ج ۵۳، ص ۳۵۲)

چهار. جهان شمولی اسلام (دین حق)

یکی دیگر از جنبه های تکامل بشری در عصر موعود، رشد، توسعه و فراگیر شدن آیین حق (اسلام) خواهد بود. در این دوران، ادیان دروغین و ساخته ی اوهام بشری و نیز ادیان تحریف شده رخت بر بسته و پرتو دین حق، سراسر پهنای این کره خاکی را در خواهد نوردید.

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ در تفسیر آیه ۳۳ توبه می فرماید: «در آن زمان کسی باقی نمی ماند، مگر آن که به رسالت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اعتراف و اقرار کند». (تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۸۷)

پنج. شکوفایی اقتصاد و رفاه اجتماعی

در پرتو تحول فرهنگی و اخلاقی بشر و رشد تقوا و نیکی ها، نعمت های الهی از هر سو بر بندگان سرازیر می شوند؛ زیرا این وعده تخلف ناپذیر پروردگار است: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ؛ اگر مردم شهرها و دیارها ایمان آورند و تقوا پیشه کنند، ما برکات زمین و آسمان را بر آنان می گشاییم».

در پرتو این عنایت الهی است که از آرزوهای دیرین بشری که همان برچیده شدن و ریشه کن شدن فقر است، تحقق می یابد. پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این باره می فرماید: «هنگامی که مهدی ظهور کند... اموال و زکات ها را در کوچه ها می برند، ولی کسی پیدا نمی شود که حاضر به دریافت آنها باشد». (عقد الدرر، ص ۱۶۶)

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ در این باره می فرماید: «حکومت او شرق و غرب جهان را فرا خواهد گرفت و گنجینه های زمین برای او ظاهر می گردد و در سر تا سر جهان جای ویرانی نخواهد ماند، مگر این که آن را آباد خواهد ساخت» (اعلام الوری، ص ۴۶۳)

شش. تکامل علمی و تکنولوژی و پیشرفت برق آسای علوم و فنون

در این عصر، پیشرفت تکنولوژی و علوم به گونه ای برق آسا و غیر قابل مقایسه با دنیای کنونی خواهد بود. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

« دانش ۲۷ حرف (شاخه و شعبه) است و مجموع آنچه پیامبران آورده اند دو حرف است و مردم تا آن روز بیش از آن دو حرف را نمی دانند و چون قائم قیام کند، ۲۵ حرف بقیه را بیرون می آورد و در میان مردم منتشر می سازد و بدین سان مجموعه ۲۷ جزء دانش را نشر می دهد. » (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶)

ما با مراجعه به روایات می توانیم به دورنمایی از برخی از پیشرفت های علمی و صنعتی دست یابیم که به آنها اشاره می کنیم.

الف) پیشرفت صنایع و حل مسئله ی انرژی: امام صادق علیه السلام می فرماید: « هنگامی که قائم ما قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن می شود و بندگان خدا از نور آفتاب بی نیاز می شوند. »

از این تعبیر چنین بر می آید که مسئله نور و انرژی آنچنان حل می شود که در روز و شب از پر قدرت ترین نورها، که می تواند جانشین آفتاب گردد، بهره می گیرند و این شاید در سایه استقرار یک سیستم تکامل یافته ی انرژی اتمی با تصفیه کامل از تشعشعات زیانبار آن تحقق یابد، امری که در حال حاضر بزرگ ترین مشکل استفاده از این انرژی است.

ب) پیشرفت پزشکی: در آن عصر هیچ بیماری بدون درمان باقی نمی ماند. امام باقر علیه السلام می فرماید: « هر کس قائم اهل بیت مرا درک کند، اگر به بیماری دچار باشد، شفا یابد و چنانچه دچار ناتوانی باشد، توانا و نیرومند می شود. » (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۵) امام سجاد علیه السلام نیز می فرماید: « هنگامی که مهدی قیام کند، خداوند متعال هرگونه بیماری را از جامعه شیعیان برطرف می کند. » (همان، ص ۳۱۷)

ج) گسترش و پیشرفت وسایل مخابراتی و ارتباط جمعی: یکی دیگر از جنبه های پیشرفت بشری در این عصر را می توان در حوزه ی وسایل مخابراتی و ارتباط جمعی دانست که نمونه های فعلی آن در جامعه کنونی به صورت رادیو و تلویزیون و ماهواره ها و ... است که گسترش و رشد مضاعفی پیدا خواهند کرد. امام صادق علیه السلام می فرماید: « در زمان قائم، شخص مؤمن در حالی که در مشرق به سر می برد، برادر خود را که در مغرب است می بیند و نیز آن که در مغرب است، برادر خویش را در مشرق خواهد دید. » (همان، ص ۳۹۱)

« چون قائم ما قیام نماید خداوند گوش و چشم شیعیان ما را چنان تقویت می کند که بین آنها و امام پست و بیک وجود نداشته باشد به گونه ای که وقتی امام با آنها سخن می گوید آنان می شنوند و او را می بینند و امام در جایگاه خود قرار دارد. » (همان، ص ۳۳۶)

د) پیشرفت کشاورزی: یکی دیگر از جنبه های پیشرفت بشری در این عصر، رشد و توسعه کمی و کیفی دانش و محصولات کشاورزی است. امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام در این باره می فرماید: « مهدی علیه السلام شرق و غرب زمین را تسخیر می کند... بدی ها و ناراحتی ها را بر طرف می کند و خیر و نیکی جایگزین آن می شود. به طوری که یک کشاورز از هر من (۳ کیلو) صد من (۳۰۰ کیلو) محصول به دست می آورد، همان گونه که خدا فرمود (بقره، آیه ۲۶۱): « در هر سنبله صد دانه عمل می آید و خداوند برای هر کس که اراده نماید زیادتیر می کند. » (الشیعه والرجعه، ج ۱، ص ۱۶۷) البته این امر با دستاوردهای کنونی بشر در زمینه ژنتیک و کاربرد آن قابل هضم است.

این ها نمونه هایی از جنبه های تکامل بشری در عصر ظهور منجی عالم امکان است که دورنمایی از دورانی طلایی و لبریز از معنویت و رفاه است که پاسخ گوی همه ی خواسته ها و انتظارات بشر در طول اعصار متمادی و بسیار فراتر از آن می باشد. برهه ای از زمان که همه ی استعداد های بشر به فعلیت و شکوفایی خواهد رسید. به امید آن که دیدگان ما به قامت دل ربای موعود عصرها و نسل ها منور گردد.

هفت. گسترش عدالت

یکی از تلخ کامی های بشر در طی قرن ها، فقدان عدالت فراگیر و حاکمیت ظلم و ستم بوده است. امری که ناامیدی و سرخوردگی بشر تشنه عدالت را به دنبال داشته است؛ اما این وعده پروردگار است که در این عصر برای نخستین بار در کل طول عمر زمین و زمینیان، بساط ظلم، ستم و تبعیض برچیده می شود و ذایقه بشر تشنه ی عدالت، حلاوت شهد دل انگیز عدالت را خواهد چشید.

امام جواد علیه السلام می فرماید: « زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد پس از آن که از ظلم و ستم لبریز شده باشد. » (مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۸۳)

در پرتو خورشید فروزان عدالت، هر صاحب حقی به حقش خواهد رسید و دستگاه قضاوت حضرت این امر را سامان خواهد داد. امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید: « پس از ظهور مهدی علیه السلام هیچ حقی از کسی بر عهده دیگری باقی نمی ماند، مگر آن که آن حضرت، آن را باز می ستاند و به صاحبش می دهد. » (بحار الانوار، ص ۲۳۴)

هشت. امنیت عمومی

یکی از مهم ترین مؤلفه های به وجود آمدن جامعه ای پیشرفته و پویا، استقرار امنیت همه جانبه و فراگیر و پایدار است. امری که به لحاظ اهمیت آن، در روایات ما نعمتی الهی معرفی شده است و این خواسته بشری به نحو فراگیر و همه جانبه تنها در عصر موعود محقق خواهد شد.

امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید: « در این زمان پیرزن ناتوانی از مشرق زمین به مغرب می رود در حالی که هیچ کسی متعرض او نمی شود. » و در برخی از روایات دایره ی امنیت و حوزه ی آن، حتی فراتر از انتظارات معمول بشری تعریف شده است.

امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام می فرماید: « هرگاه قائم ما قیام کند آسمان باران خود را می بارد و درندگان با چهارپایان از در آشتی وارد می شوند و با انسانها کاری ندارند، تا جایی که زنی از عراق به شام می رود، بدون این که ذره ای او را نگران سازد یا از درنده ای بترسد. » (همان، ص ۳۱۶)

بزرگ‌ترین موانع در برابر اهداف امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرَجَّه الشَّرِيف

تلخیصی از کتاب آفتاب ولایت،
آیت الله مصباح یزدی رحمته الله علیه، صص ۲۲۳ تا ۲۳۸

یک. روح خودسری و هواپرستی مردمان

محدودیت در زندگی، با طبع اولیه بشر سازگار نیست و آدمی می‌خواهد هیچ قیدی نداشته باشد تا هر کاری که دلش می‌خواهد، انجام دهد. این عاملی است که در همه جوامع وجود دارد و تا روح انسان تربیت الهی را نپذیرد، خواه ناخواه در برابر میل به آزادی و بی بندوباری تسلیم خواهد بود. چه طور می‌شود که مؤمن به طرف کفر کشیده می‌شود؟! تحلیل روان شناختی آن این است که وقتی اجرای برخی از دستورهای دین با هوای نفس آدمی و راحت طلبی و خودسری او سازگار نباشد، انسان ضعیف‌الایمان در صدد برمی‌آید در فتوای مجتهد تشکیک کند. وقتی می‌گویند: این کار را انجام نده، حرام است. می‌گوید: به چه دلیل؟ می‌گوید: مراجع تقلید در رساله‌های عملی نوشته‌اند. می‌گوید: از کجا معلوم که این‌ها درست می‌گویند. اگر کسی دنبال کرد و گفت: این مجتهد از خودش نمی‌گوید؛ مستندشان هم کلمات امامان معصوم علیهم‌السلام است؛ می‌گوید: اگر ببینیم که امام معصوم هم گفته است، از کجا معلوم که درست گفته باشد؟! اگر کسی پیگیری و اثبات کرد که در این حکم خاص، آیه قرآن هم داریم. می‌گوید: شاید معنای قرآن این نباشد. قرائت‌ها گوناگون است. این فهم شماست. وقتی ثابت شد که این آیه، هیچ معنای دیگری نمی‌تواند داشته باشد، خواهند گفت: از کجا معلوم که آیات قرآن، کلام خدا باشد؟! اگر ثابت بشود آیات قرآن، کلام خدا است، باز هم آن‌ها راه دیگری دارند. کسی که ولایت شیطان را بپذیرد، مهارش را به شیطان می‌سپارد. عاقبت او نیز کفر و اسفل السافلین درکات جهنم است. (نساء، آیه ۱۴۵)

دو. به خطر افتادن مقام قدرتمندان و ثروتمندان

ثروتمندان و قدرتمندانی که تمام توجهشان به عالم ماده و لذت‌های مادی است، وقتی می‌بینند که دستورهای انبیا، برای آن‌ها قید و بندهایی ایجاد می‌کند، بیش از گروه‌های دیگر عکس‌العمل نشان می‌دهند؛ چرا که امکانات ایشان برای شهوترانی و بی بندوباری، از دیگران بیش‌تر است و به طور طبیعی، محدودیت‌هایی که از ناحیه دین متوجه‌شان می‌شود، آن‌ها را بیش‌تر رنج می‌دهد. اگر انسان، افقی را گسترده‌تر از ماده و مادیات یافت و جهانی را وسیع‌تر از جهان زودگذر دنیا شناخت و به آن معتقد شد، حاضر می‌شود از لذایذ مادی و محدود بگذرد تا به لذایذ ابدی برسد؛ ولی اگر به آخرت و زندگی ابدی ایمان نداشته باشد، در هر گروهی، به شکل خاصی در برابر انبیا واکنش نشان می‌دهد.

سه. ظهور گرایش‌های مادی در پیروان

به هر حال، در برابر انبیا، گروه‌های گوناگونی قد علم می‌کردند تا نگذارند دعوت انبیا گسترش یابد و مردم دعوتشان را اجابت کنند و پیرو و مریدشان شوند. در حالی که همه ما مسلمانیم و بیش از هزار و چهار صد سال از تاریخ ظهور دینمان می‌گذرد، هر کدام از ما تربیت‌های خاصی را از دین پذیرفته‌ایم. گاهی می‌شود با این که سال‌ها عمرمان را در فهم کتاب و سنت و شناخت معارف دینی گذرانده‌ایم، در بزرگ‌راه‌های خاصی، هوای نفسانی ما ظهور می‌کند و کنترل نفس از دستمان خارج می‌شود. در کسانی هم که به انبیا گرایش می‌یافتند، این روحیه‌ها کم و بیش وجود داشت؛ چرا که به طور کامل مهذب نشده بودند و ساختمان روحی آن‌ها هنوز تغییر ماهیت نداده بود؛ مثل «اصحاب سبت» که کنار دریا زندگی می‌کردند و موظف شده بودند روز شنبه ماهی بگیرند؛ اما چون ماهی‌ها فقط در روز شنبه به کنار دریا می‌آمدند، خودداری از صید ماهی در روز شنبه برای آن‌ها مشکل بود.



چهار. دین‌فروشی دانشمندان

«در وضعی که رعایت اوامر و نواهی الهی برای مردم مشکل می‌شد، دست به دامن راهبان و عالمان دین می‌شدند و از ایشان می‌خواستند تا کاری کنند که حکم الهی تغییر یابد. بین عالمان ایشان هم کسانی بودند که به علل گوناگون به خواست مردم اهمیّت می‌دادند یا بدان جهت که منافع مادی آن‌ها باید از راه مردم تأمین می‌شد یا از آن جهت که مردم باید آن‌ها را دارای منصب‌های دینی می‌شناختند و اگر به تمایلات مردم پاسخ منفی می‌دادند، دیگر دورشان جمع نمی‌شدند و آن‌ها را مرجع دینی خودشان نمی‌شناختند. در حقیقت، همان روح دنیاپرستی که به شکل دیگری میان دانشمندان وجود داشت، باعث می‌شد تا با روح دنیاپرستی مردم، توافق کنند. نتیجه این بود که بعضی از احکام الهی به بهانه‌های گوناگون عملی نمی‌شد یا بعضی از حرام‌های الهی انجام می‌گرفت. در چنین مواقعی است که قرآن می‌فرماید: «دانشمندان و راهبان خویش را معبودهای در برابر خدا قرار دادند.»

(سوره توبه، آیه ۳۱)

این عوامل باعث می‌شد که روح خداپرستی و تسلیم در مقابل انبیا و اولیای الهی در مردم تضعیف و دینی که اساس آن اسلام و تسلیم در مقابل خداست، به صورت دیگری درآید.

یک. روحانی ستیزی

اگر عالمان جامعه بر سر عهد و پیمان خود با خدا ثابت قدم بمانند، در هیچ وضعیتی تسلیم خواست ضداسلامی نخواهند شد. هرچه صاحب منصبان به آن‌ها فشار آورند که فلان قانون ضداسلامی را امضا کنید، در پاسخ می‌گویند: جان می‌دهیم؛ ولی امضا نمی‌کنیم؛ پس چه باید کرد تا بتوان تغییرهایی را در دین ایجاد کرد تا با گرایش‌های مادی و نفسانی مردم سازگار باشد؟ باید تز اسلام منهای روحانیت را پیشنهاد کرد یا روحانیان را از صحنه اجتماع کنار زد. [با این بهانه که] اصلا اسلام به روحانی نیازی ندارد. این‌ها سه ضلع مثلث زر و زور و تزویر یا سه ضلع مثلث تیغ و طلا و تسبیح هستند. استعمارگران نیز وقتی می‌بینند که روحانیان شیعه این قدر سرسخت و انعطاف ناپذیرند، اعتراف می‌کنند که بزرگ‌ترین دشمن استعمار آمریکا در خاور میانه (غرب آسیا) ایشانند؛ پس می‌بینید که تمام عوامل در این جهان دست به دست هم می‌دهند تا روحانیان شیعه را بکوبند. شما در دنیا نمی‌توانید یک عامل اجتماعی را پیدا کنید که با وجود روحانیان مستقل شیعه موافق باشد؛ نه استعمار شرق، نه استعمار غرب، نه ثروت جویان و قدرت طلبان داخلی، و نه روشنفکران. می‌بینید در آن جا که پای کوبیدن روحانیان متعهد در میان است، همه با هم همکاری می‌کنند برای این که آن‌ها تشخیص داده اند تا روحانیان شیعه وجود دارند، نمی‌توانند به مقاصد شومشان برسند. برای دین، خطری بزرگ‌تر از این نیست که آیات الهی تأویل، و احکام و معارف اسلامی واژگون و مسخ شده معرفی شود. اگر احکام الهی و قوانین اسلامی مسخ و تحریف و اعتقاد مردم از دین و مذهب سلب شود، راه برای هرگونه فساد و فساد بی‌باز خواهد شد. به سبب جایگاه ویژه روحانیان در حفظ دین است که می‌بینیم برای کوبیدن ایشان، دشمنان خارجی و منافقان داخلی با هم متحد می‌شوند؛ چرا که اینان هدفی مشترک دارند و آن هم برانداختن اسلام است و راه و کلید آن جدا کردن مردم از روحانیان و دین است. اگر چنین شد، راه برای هر توطئه‌ای باز خواهد شد.

دو. قرائت‌های گوناگون از دین

«قرائت‌های گوناگون از دین»، خطرناک‌ترین حربه‌ای است که با آن به جنگ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌روند. وقتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تشریف می‌آورد، با مردمی مواجه خواهد شد که قرآن را تأویل می‌کنند و از قرآن و دین، قرائت جدیدی ارائه می‌دهند و از این طریق، با امام زمان ارواحنا فداه به مجادله برمی‌خیزند. فضیل بن یسار می‌گوید: از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف شنیدم که می‌فرمود:

«هنگامی که قائم ما قیام می‌کند، آزاری که از نادانی مردم می‌بیند، از آزار و اذیتی که رسول الله از جاهلان دوره جاهلیت دید، بیش‌تر و شدیدتر است. عرض کردم: چگونه؟ فرمود: همانا رسول خدا بر مردمی برانگیخته شد که سنگ، تخته سنگ‌های بزرگ، چوب و مجسمه‌های چوبی را می‌پرستیدند؛ اما هنگامی که قائم ما قیام می‌کند، همه مردم کتاب خدا [قرآن] را [از پیش خود] تأویل می‌کنند و با استناد به تأویل خود، با حضرت به بحث و جدال می‌پردازند؛ ولی عاقبت، حضرت، عدل خود را بر آن‌ها و در خانه‌های آن‌ها وارد خواهد کرد؛ همان‌گونه که گرما و سرما داخل می‌شود.» (بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲، ح ۱۳۳-۱۳۴)

بر اساس این حدیث شریف و معجزه آمیز، اذیتی که وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ظهور خویش می‌بیند، از آزاری که ۱۲۴ هزار پیامبر در راه خدا متحمل شده‌اند، افزون‌تر و طاقت فرساتر است. راوی حدیث، فضیل بن یسار، با شگفتی از امام می‌پرسد: سر این مطلب چیست که امام عصر؟ عج؟ رنج و اذیتی بی نظیر می‌بیند؟!

امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرماید: سرش این است که پیامبر با مردمی جاهل مواجه بود که سنگ و چوب‌های تراشیده را می‌پرستیدند. اثبات نادرستی عقیده و عمل چنین مردمی کار چندان مشکلی نیست؛ البته پیامبر از جهالت و تعصب‌های کورکورانه بت پرستان زمان خویش خیلی رنج می‌کشید؛ ولی در مقام بحث و استدلال مشکلی نداشت. هنگامی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تشریف می‌آورد، نه با بت پرستان جاهل که با عالم نمایانی روبه‌رو می‌شود که قرآن را تأویل می‌کنند. این، همان حربه‌ای است که با آن به جنگ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌روند. وقتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌آیند، با مردمی مواجه می‌شوند که همگی آن‌ها قرآن را تأویل می‌کنند. تعبیری بس عجیب است:

«كُلُّهُمْ يَتَأَوَّلُ عَلَيْهِ كِتَابَ اللَّهِ وَيَحْتَجُّ عَلَيْهِ بِهِ؛ تمام ایشان، کتاب خدا را تأویل می‌برند و با تأویل خویش بر حضرت احتجاج می‌کنند.»

تفسیر هر مونتیک متون دینی و قرائت‌های گوناگون از دین، آن چنان رواج می‌یابد که همه مردم می‌پذیرند و قرائت جدیدی از قرآن و دین ارائه می‌کنند. ایشان با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به مجادله برمی‌خیزند. نمی‌گویند ما خدا را قبول نداریم تا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برایشان دلیل بیاورد و خدا را اثبات کند. نمی‌گویند ما پیامبر عجل الله تعالی فرجه الشریف را قبول نداریم تا دلیل بیاورد که محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف پیامبر بر حقی بود که از طرف خداوند برانگیخته شده بود. نمی‌گویند قرآن، کلام خدا نیست تا دلیل بیاورد قرآن از طرف خدا است؛ بلکه می‌گویند: قرآن کلام خدا است؛ اما ما فقط تأویل و قرائت خویش را قبول می‌کنیم و بس.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با این مسلمان نمایان چگونه برخورد کند؟! امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با چنین مردمی با چه زبانی بحث کند تا ثابت شود اینان جاهلند و در اشتباه، یا غرض ورزند و بیمار؟!

رنج چنین امامی بیش‌تر است؛ زیرا که با کسانی روبه‌رو است که فقط خواسته‌های نفسانی خویش را به نام دین قبول می‌کنند، و پیامبر عجل الله تعالی فرجه الشریف با کسانی مواجه است که آن چه را خود ساخته‌اند، به خدایی می‌پرستند.

حسینیان در خط عاشورا

محمدحسن نبوی

در جریان عاشورا شاخص هایی مطرح گردیده که بررسی آنها سنگ بنای حرکت در این خط نورانی است که به مهمترین آنها اشاره می شود:

یک. احیای ارزش های دینی

امام حسین علیه السلام برای تبیین انگیزه قیام خویش اهداف خاصی را بیان کرده اند که می توان از باب نمونه به وصیت نامه ایشان به محمدابن حنفیه استناد کرد. آن حضرت چنین می نگارند: «من از روی خودکامگی و سرمستی و گسترش فساد و ستمگری قیام نکردم بلکه فقط برای اصلاح در امت جدم بپاخواستم و مقصودم امر به معروف و نهی از منکر است من بر اساس سیره جدم رسول الله صلی الله علیه و آله و پدرم علی ابن ابیطالب علیه السلام عمل خواهم کرد» (بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹) اینجا حضرت هدف خویش را احیاء سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علی علیه السلام معرفی می کنند.

دو. مبارزه با بدعت ها

وجود خطا و انجام خلاف شرع در بین آحاد جامعه همیشه وجود داشته، حتی در زمان حکومت معصومین علیهم السلام، وجود گناه و خطا، انکارناپذیر است؛ دلیل آن هم وجود آیاتی است که در قرآن کریم در مورد خطاها و گناهان منافقین بیان شده است. همچنین خطبه ها و نامه های امیرالمؤمنین علی علیه السلام که در مورد اشتباهات و گناهان اصحاب آن حضرت صادر شده است.

تنها ویژگی حکومت های صالحان و معصومین علیهم السلام جلوگیری از علنی شدن گناهان است؛ اما از این مسئله حساس تر و خطرناک تر بدعت گذاری است. «بدعت» به معنای انجام گناه و یا علنی شدن گناه نیست؛ بلکه مسئله ای را بر خلاف شرع جزء دین جلوه دادن است که از گناهان کبیره بوده و وظیفه هر عالم متعهدی، مبارزه جدی و بی امان با آن می باشد.

روایوی با بدعت تا آنجا اهمیت دارد که ابا عبدالله الحسین علیه السلام یکی از دلایل مهم قیام خود را مبارزه با بدعت و احیاء سنت نام برده در نامه ای که به برخی از بزرگان می نویسد اینچنین بیان می کنند: «من شما را به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت می کنم؛ زیرا سنت ناپود شده و بدعت زنده گشته است اگر سخنم را بشنوید و از من اطاعت کنید شما را به راه رشد و بالندگی هدایت می کنم. درود و رحمت خدا بر شما باد» (موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۳۱۵)

سه. رویارویی با گسترش فساد

یکی از مسائل مهم دیگری که در کلمات امام حسین علیه السلام به عنوان انگیزه انقلاب کربلا مطرح شد مبارزه با گسترش فساد و گناه است، در این باره ابا عبدالله الحسین علیه السلام می فرماید: «ای فرزندی! اینان قومی هستند که اطاعت شیطان را برگزیده و اطاعت خداوند رحمان را ترک کردند، فساد در زمین را آشکار ساخته حدود شرعی را باطل کرده مسکرات نوشیدند اموال فقراء و مساکین را به نفع خود برداشتند و من در قیام برای یاری دین خدا و عزت بخشیدن به دین او و جنگ در راه خدا از دیگران سزاوارترم تا نام خدا به پیروزی رسد» (همان، ص ۳۳۷) همچنین می فرماید:

«آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و باطل طرد نمی گردد. حقیقتا مؤمن باید به مرگ راغب باشد هر آینه من مرگ را جز سعادت، و زندگی با ظالمان را جز زجر و شکنجه نمی بینم» (بحار الانوار، جلد ۴۴، ص ۳۸۱)

چهار. جان دادن برای دین خدا و احیای حق

از مهم ترین آموزه های کربلا، درس جانبازی در راه دین، و همه جاذبه های دنیوی را در مسیر رضای الهی به هیچ انگاشتن است. آدمی به جان خویش بیش از همه عشق می ورزد و هر چیز را برای جاننش می خواهد اگر حاضر شد از این عزیزترین، برای مقصودی بگذرد بایستی آن چیز را مهم ترین هدف در دیدگاهش دانست. امام حسین علیه السلام در مسیر احیای حق، اهداء جان و پذیرش مرگ را بسیار ساده می شمارد و می فرماید: «در شخصیت من، ترس از مرگ جایگاهی ندارد مرگ در راه عزت و احیای حق چه آسان است. مرگ در راه عزت جز حیات جاویدان نیست..... آیا بالاتر از کشتنم چه می توانید کرد؟! آفرین بر کشته شدن در راه خدا ولی بدانید هرگز نمی توانید عظمت مرابشکنید و عزت و شرف مرا از بین ببرید پس باکی از کشته شدن ندارم» (موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۳۶۰)

کربلا؛ جریان یارویداد

از آنجا که ابا عبدالله الحسین علیه السلام به عنوان پیشوای سوم شیعیان و حجت خداست اگر حرکتی را در بستر زمانی خاص انجام داده بر همه پیروان آن حضرت لازم است در آن مسیر حرکت کنند. همچنین بر اساس معارفی که از زیارت درمی یابیم همگی وظیفه داریم که تا قیامت او و یارانش را دوست داشته و با دشمنانش همواره در ستیز قرار گرفته و با این دوستی و دشمنی به خدای بزرگ تقرب جوئیم. در زیارت امام حسین علیه السلام در عاشورا چنین آمده است: «و به خداوند تقرب جوئیم، سپس به شما تقرب می جوئیم با دوستی شما و محبت دوستان شما و با دوری و بیزاری از دشمنان شما..... من با کسانی که با شما مسالمت داشته باشند تسلیم هستم و با کسانی که با شما بچنگند در جنگم و دوست دوستان شما و دشمن دشمنانتان هستم».

نتیجه آنکه کربلا محدوده جغرافیایی و عصری را درمی نوردد و رودی خروشان در بستر تاریخ جاری می کند که همواره قطرات زلال انسان های پاک را به جمع خویش پیوند می دهد و نوید حیات پاک و خداجویی به سرزمین های دیگر می رساند. امام حسین علیه السلام، جریان بودن کربلا را این گونه ترسیم می کند:

«مثلی لا یبیاع مثله؛ فردی مثل من با کسی مانند او هرگز بیعت نخواهد کرد».

حضرت این گونه بیان می کند که این دو شخصیت کاملا متفاوت از جهت فکر، ایمان و عمل در هیچ جایی نمی توانند همراه شوند و این، محدوده زمانی و مکانی نمی شناسد، و یا می فرمایند: «وقتی در جامعه ای به حق عمل نشود و از باطل نهی نگردد مؤمن به حق باید آرزوی مرگ کند» این جملات هرگز محدوده زمانی و مکانی نمی شناسد و این پیامها و مفاهیم، کربلا را به صورت یک جریان درمی آورد.

پیامهای اساسی عاشورا که احیاء ارزش های مبارزه با بدعت و فساد و تباهی و جان دادن برای احیاء حق و عزت بود باید به خوبی برای مردم ترسیم و آفت های هر بخش تبیین گردد که در اینجا به هر یک از آن شاخص ها به صورت جریان نگاه می شود و مواردی به صورت نمونه مطرح می گردد.

الف. احیاء ارزش ها و یا جاه طلبی

امروزه در بسیاری از حرکت های اجتماعی به جای دفاع از ارزش های دینی، جناح بندی و دفاع از جناح ها نشسته و به قیمت نابودی ارزش ها دنبال می شود که این حرکت با خط عاشورا سازگار نیست. اگر برای دستیابی به پست، سمت و ریاست همه چیز قربانی شود این راه یزید، ابن زیاد و عمر سعد است نه امام حسین علیه السلام. امام حسین علیه السلام رسماً اعلام می کند که من می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم این حرکت، با ترویج منکر و نهی از معروف برای جلب آرای مخالفان دین، سازگار نیست.

ب. مبارزه با بدعت نه ترویج بدعت

امام حسین علیه السلام مردم را به کتاب خدا و سنت می خواند و علت قیام خود را بی توجهی به کتاب خدا و نابودی سنت و برپاشدن بدعت ها می شمارد. حال شیعیان آن حضرت باید به این جریان پیوندند و به احیای سنت بپردازند. این خیزش و انقلاب ابتدا باید از مراسم دینی آغاز گردد و سپس همه ابعاد فرهنگی جامعه مورد توجه قرار گیرد. در اینجا نمونه هایی بیان می شود.

..... اشعار یا رفتار باطل

بیان مدح و مرثیه ائمه اطهار علیهم السلام بایستی به نحوی با ژرف نگری انجام شود که سخنان باطل به آن راه نیابد همچنین در مراسم تعزیه باید دقت وافر از طرف مسئولین خصوصاً مبلغین عزیز اعمال گردد که ضمن برگزاری با شکوه مراسم، از راه یابی رفتارهای خطا و انحرافی به آن جلوگیری شود. گاهی دیده می شود که اشعاری خوانده می شود و یا رفتارهایی بروز می کند که برای هر عالمی واضح است که مرضی ائمه علیهم السلام نبوده و اگر در محضر آن بزرگواران چنین رفتاری بروز می کرد و یا این چنین اشعاری بیان می شد به شدت طرد می گردید.

..... عدم دقت در بیان مقاتل

از مسائل مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد بیان دقیق مقتل است به این معنی که اگر مطلبی بیان می شود حداقل در یکی از مقاتل نقل شده باشد نه آنکه هر چه گفته می شود، مطالبی شنیده شده و بدون ماخذ باشد. زیرا دروغ گفتن از گناهان کبیره است، اما با کمال تأسف گاهی در عزاداری ها برخی به راحتی مطلب خطائی را به امام علیه السلام نسبت می دهند و حرف هایی که در هیچ کتابی نیست با جسارت مطرح می کنند.

..... بی توجهی به نشر معارف

یکی از فضاهای مهمی که در طول تاریخ، شیعیان از آن برای نشر معارف دینی استفاده کرده اند جلسات عزاداری ابا عبدالله الحسین علیه السلام بوده است. در این جلسات، مباحث اعتقادی، اخلاقی و احکام برای مردم بیان می شده است که باید ادامه یافته و عزاداری هم به خوبی برگزار گردد.

..... طولانی شدن عزاداری ها

گاهی عزاداری ها طولانی می شود و تنها چند نفر معدود، برنامه را دنبال می کنند و بسیاری از عزاداران خسته می شوند و اگر فردی اعتراض کند به دشمنی با اهل بیت علیهم السلام متهم می شود در حالی که می توان گفت گاهی طولانی شدن عزاداری ها موجب قضا شدن نماز صبح افراد می گردد.

..... عدم تبیین اهداف ابا عبدالله الحسین علیه السلام

در مواردی اهداف قیام کربلا برای مردم تبیین نمی شود و یا در صورت بیان اهداف، مصادیق زمان، که نمود بارز آن در مبارزه با آمریکا تبلور می یابد مشخص نمی شود.

..... روشهای روضه خوانی

برخی از کسانی که روضه می خوانند گاهی از شیوه ها و دستگاه های موسیقی استفاده می کنند که به هیچ وجه مناسب مجالس عزاداری سالار شهیدان نیست که امید است با راهنمایی علمای دین، وزانت این مجالس حفظ گردد.

ج. مبارزه با فساد و تباهی

اباعبدالله الحسین علیه السلام از فساد و تباهی گریزان و از سکوت جامعه در برابر فساد خشمگین است. ایشان می فرمایند:

«اینان فساد را ظاهر کردند و حدود را باطل کردند و شراب خواری نمودند»

و یا در جای دیگر می فرمایند: «مگر نمی بینید به حق عمل نمی شود و نسبت به باطل نهی نمی گردد» یعنی مردم از کنار باطل به راحتی می گذرند و در این صورت است که امام حسین علیه السلام می فرمایند:

«بر مؤمن حق است که آرزوی مرگ کند.»

د. چهره الگوی عزت

امام حسین علیه السلام برای احیای دین و حق جنگید، جان داد و هرگز زیر بار ذلت نرفت، فرازهایی از سخنان عزت آفرین آن حضرت را بیان کردیم ولی تا چه حد توانسته ایم این چهره عزیز را عزتمند معرفی کنیم؟ آن حضرت فرمودند: «شما بیش از کشتنم نمی توانید کاری از پیش ببرید ولی عزت و شرف من را نمی توانید نابود کنید»

آیا ترسیمی که از کربلا و بیان وقایع عاشورا می شود چهره مردی غیرتمند و عزیز با این شاخص است؟



قدم عاشقی

حرکت کاروانی اربعین؛ امتداد عاشورا تا ظهور

کتاب قدم عاشقی در برگزیده سخنرانی‌های استاد محمدرضا عابدینی به تحقیق حسین قاسمی به مناسبت اربعین امام حسین علیه السلام است که در سه گفتار منتشر شده است.

<<< گفتار اول

اربعین و ظهور حق در طول تاریخ

دربردارنده نگاه تاریخی - تمدنی به جریان نبرد حق و باطل و نقش انبیای الهی در تاریخ انسانی و تبیین جایگاه حماسه عاشورا و توجه انبیا و اولیای الهی به آن، به عنوان گلوگاه تاریخ در این سیر و نسبت یابی اربعین به عنوان فعلیت و امتداد ظرفیت‌های عاشورا برای مقدمه سازی ظهور است.

<<< گفتار دوم

اربعین؛ امتداد عاشورا تا ظهور

این مینار را با نگاهی عینی و مصداقی و با تدبر و تجربه اندیشی در متن حماسه پیاده روی اربعین همراه می‌سازد و تلاش می‌کند با نگاهی تحلیلی و مصداقی به نهضت اربعین، ظرفیت آن را به عنوان یک الگوی اجتماعی و تمدنی تحلیل کرده و در نهایت به آسیب شناسی اربعین بپردازد.

<<< گفتار سوم

شرح زیارت نامه اربعین

در این گفتار تلاش شده است، به زیارت اربعین به عنوان فصل اخیر و کمال غایی زائر نگاه شده و شرحی هر چند مختصر بر متن زیارت نامه اربعین، با این مینار اراده شود.

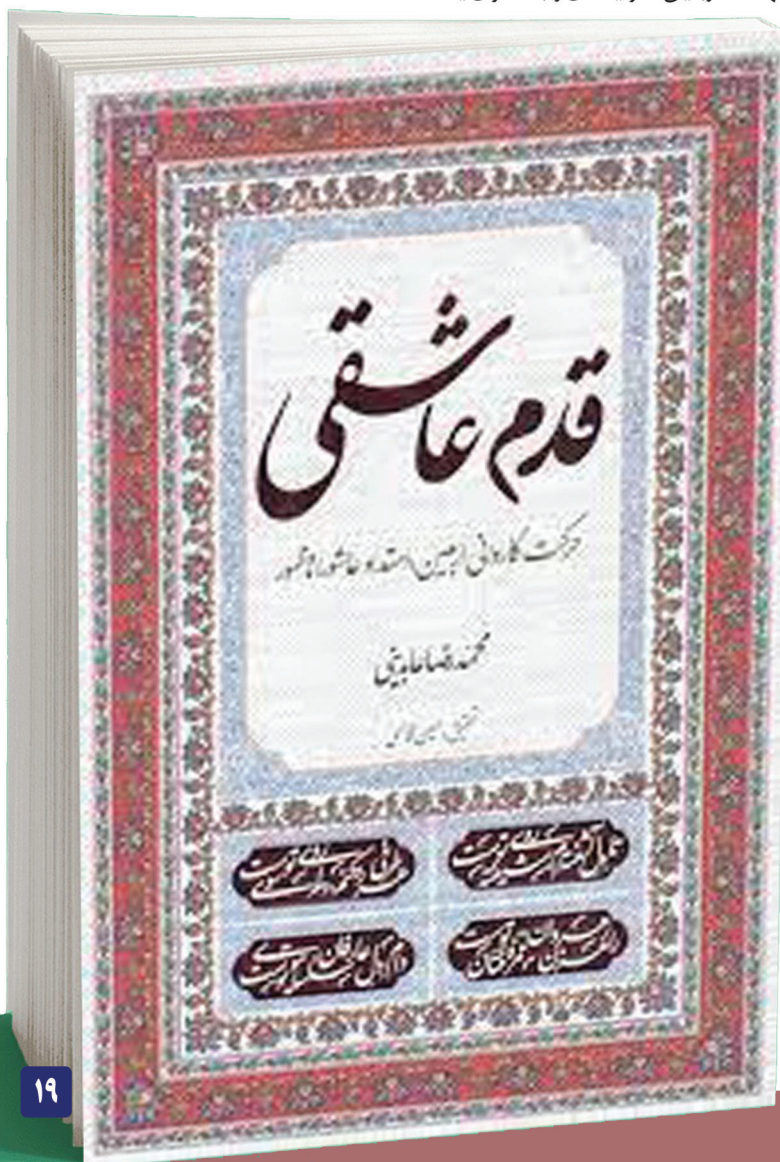
بخشی از متن کتاب قدم عاشقی

ما هنوز عظمت آن چیزی را که در «اربعین» در حال رخ دادن است، نشناخته ایم. ظرفیت نهضت جهانی و حرکت جمعی و کاروانی اربعین، مثل خود جریان «عاشورا» هنوز به خوبی شناخته نشده است. جریان اربعین جزء اصلی ترین عناصر زمینه ساز ظهور بوده و بلکه به طور اجمال می‌توانیم بگوییم: نقطه آغاز حرکت شتابنده به سوی ظهور است.

جریان اربعین این ظرفیت را دارد که پایه ای ترین زیرساخت برای تحقق نهایی «تمدن توحیدی» باشد و لذا گسترش حرکت کاروانی اربعین در دوران معاصر، عنایت الهی به ماست.

با این نگاه، شناخت اربعین و جایگاه آن و تلاش برای هرچه پرشورتر برگزار شدن آن، وظیفه ای دینی و رسالتی تاریخی و تمدنی است.

اگر ظرفیت‌های اربعین را شناختیم و در راستای تحقق آن قدم برداشتیم، چه بسا از قافله منتظران حقیقی و زمینه سازان ظهور جا بمانیم و وقتی چشم باز کنیم و از این غفلت خارج شویم که دیگر فرصت جبران نباشد! خدا نکند که ما از این کاروان جا بمانیم!



زیارت اربعین، فرهنگ نامه قیام کربلا

حجت الاسلام علیرضا انصاری

زیارت امام حسین علیه السلام در روز اربعین، یکی از نشانه‌های مؤمن شمرده است؛ از این رو شیعیان توجه ویژه‌ای به آن دارند. زیارت اربعین، فرهنگ نامه قیام کربلاست؛ زیرا در این زیارت فلسفه قیام، شخصیت و حیات جاودانه امام حسین علیه السلام ... بیان شده است. بنابراین شایسته و بایسته است این زیارت نامه بازخوانی شود؛ زیارت نامه‌ای که موجب شده است بزرگان دین، شخصیت‌ها و مردم در طول تاریخ با پای پیاده در سرزمین خون و شهادت حضور پیدا کنند. امروزه نیز میلیون‌ها انسان عاشق و دل‌باخته، در مراسم اربعین سرور آزادگان شرکت می‌کنند. نوشتار پیش‌رو در محورهای زیر سامان یافته است.

معرفی زیارت نامه

امام صادق علیه السلام زیارت اربعین را به صفوان بن مهران آموخته است که این زیارت را هنگامی که آفتاب روز اربعین برآمد و روز بلند شد، بخواند. اگر چه تفاوت‌های جزئی در بعضی کلمات در گزارش‌های مختلف دیده می‌شود، ولی کلیت آن معتبر است. سید بن طاووس، مشهدی، کفعمی و شیخ طوسی متن آن را گزارش کرده‌اند. بر اساس گزارش منابع، امام حسن عسکری علیه السلام زیارت اربعین را یکی از پنج علامت مؤمن دانسته است: «پنج چیز از نشانه‌های مؤمن است: گزاردن پنجاه و یک رکعت نماز واجب و نافله و زیارت اربعین و انگشتر در دست راست کردن و پیشانی بر خاک ساییدن و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم».

اهمیت زیارت اربعین

یکی از ویژگی‌های امام حسین علیه السلام، داشتن زیارت اربعین است؛ در حالی که هیچ یک از انبیاء و اهل بیت علیهم السلام زیارت اربعین ندارند. برای اهمیت زیارت اربعین همین بس که امام صادق علیه السلام با وجود ترس از حکومت جائر، مردم را به زیارت سیدالشهدا علیه السلام سفارش کرده است: «... لَا تَدَعُ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ لِخَوْفٍ...». این در حالی است که فقهای شیعه در حج، یکی از شرایط استطاعت را امنیت می‌دانند و اگر امنیت نباشد، استطاعت محقق نیست؛ اما درباره زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام حتی با ترس از نبود امنیت، اهل بیت علیهم السلام نسبت به زیارت امام دستور اکید داده‌اند. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «اهمیت اربعین در آن است که در این روز با تدبیر الهی خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، یاد نهضت حسینی برای همیشه جاودانه شد ...». در واقع زیارت اربعین زمینه قیام‌های بعدی را فراهم کرد. ایشان در جای دیگری می‌فرماید: «اولین نهضتی که بعد از عاشورای حسینی از طرف شیعیان به وجود آمد، نهضت توأبیین بود. این‌ها آمدند در آن مرقد پاک دور هم جمع شدند ... دست به دست هم دادند، تصمیم گرفتند که بروند تا جانشان را در راه خدا بدهند».

شخصیت‌شناسی امام حسین علیه السلام

زیارت اربعین مانند دیگر زیارت‌نامه‌ها با «سلام» آغاز می‌شود که ولایت‌مداری شیعه نسبت به اولیای دین را نشان می‌دهد و مخاطب این سلام با القابی یاد می‌شود که هر کدام ابعاد شخصیت حضرت سیدالشهدا علیه السلام را بیان می‌نماید. از حضرت با عناوینی همچون «ولی خدا»، «حبیب خدا»، «خلیل خدا»، «برگزیده خدا»، «شهید مظلوم» و «کشته اشک» یاد می‌شود: «السَّلَامُ عَلَيَّ وَوَلِيِّ اللَّهِ وَحَبِيبِهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ خَلِيلِ اللَّهِ وَتَجْبِيهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ صَفِيِّ اللَّهِ وَابْنِ صَفِيهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَيَّ أَسِيرِ الْكُرْبَاتِ، وَقَتِيلِ الْعَبْرَاتِ».

اوصاف انبیاء در وجود امام حسین علیه السلام

سه صفت «حَبِيبِ اللَّهِ وَ خَلِيلِ اللَّهِ وَ صَفِيِّ اللَّهِ» که امام صادق علیه السلام، امام حسین علیه السلام را با آن‌ها توصیف کرده؛ سه وصفی است که پیامبران اولوالعزم به آن‌ها مفتخرند. این جایگاه به خاطر میزان نقشی است که امامان معصوم علیهم السلام از جمله حضرت سیدالشهدا علیه السلام در جامعه اسلامی داشته‌اند. این خاندان پناهگاه مسلمانان و استوانه استوار اسلام بودند.

جایگاه رفیع سیدالشهدا علیه السلام

در میان امت پیامبر

در زیارت اربعین، امام حسین علیه السلام یکی از دعائم دین، ارکان مسلمین و معقل مؤمنین به شمار آمده و با اوصافی همچون «بَرٌّ»، «تَقِيٌّ»، «رَضِيٌّ»، «زَكِيٌّ»، «هَادِيٌّ» و «مَهْدِيٌّ» معرفی شده است. افزون بر این، ویژگی «حجت خدا بر مردم» نشان دهنده جایگاه رفیع حضرت سیدالشهدا علیه السلام در منظومه فکری، اجتماعی و سیاسی امت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است: «و گواهی می‌دهم که تواز ستون‌های دین و پایه‌های مسلمانان و پناهگاه مردم مؤمنی و گواهی می‌دهم که پیشوای نیکوکار، با تقوا، راضی به مقدرات حق، پاکیزه، هدایت کننده و هدایت شده‌ای و گواهی می‌دهم که امامان از فرزندان، اصل تقوا و نشانه‌های هدایت و دستگیره محکم و حجت بر اهل دنیا هستند».

بیان ابعاد شخصیت امام حسین علیه السلام

توسط امام سجاد علیه السلام

در حالی که امویان امام حسین علیه السلام را آشوبگر، عامل تفرقه و مخل امنیت جامعه اسلامی معرفی نمودند و خروج امام از دین را مطرح کردند؛ چنانکه یزید هنگام گفتگوی با حضرت زینب علیه السلام گفت: «إِنَّمَا خَرَجَ مِنَ الدِّينِ أَبُوكَ وَ أَوْوَكُ». بر این اساس امام سجاد علیه السلام و حضرت زینب علیه السلام در کوفه و شام، به بیان ابعاد شخصیت امام حسین علیه السلام پرداختند تا از شخصیت سوزی امام جلوگیری و در تاریخ ثبت شود که حسین علیه السلام، وارث آدم علیه السلام و ابراهیم علیه السلام است؛ حسین علیه السلام همان است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم در حق او فرمود: «حُسَيْنٌ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا؛ حسین از من است و من از حسینم. هر کس حسین را دوست دارد، خداوند وی را دوست می‌دارد».

فلسفه قیام عاشورا

اگر چه در نگاه حضرت سیدالشهدا علیه السلام مسائل متعددی به عنوان فلسفه قیام ذکر شده است؛ مانند امر به معروف و نهی از منکر «أُرِيدُ أَمْرًا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهْيًا عَنِ الْمُنْكَرِ»، دین زدایی امویان و حاکمیت سلطان جائر «مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ»؛ ارزش زدایی و ظهور بدعت‌ها «فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أَمِيتَتْ، وَإِنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أَحْيَيْتْ»؛ سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله از بین رفت و بدعت‌ها زنده شد. بی تردید هر یک از این عوامل می‌توانند انگیزه قیام امام حسین علیه السلام باشد، اما در زیارت اربعین عامل دیگری به عنوان فلسفه قیام حضرت ذکر شده است؛ یعنی بیداری، هدایت و نجات امت اسلامی از غرق شدن در منجلاب گمراهی. فاجعه نا آگاهی امت اسلامی به گونه‌ای بود که امام حسین علیه السلام با اهدای خون خود تلاش کرد تا مردم از جهل رهایی پیدا کنند؛ زیرا تا رهایی از جهالت انجام نگیرد، رهایی از ظلم و فساد امکان پذیر نخواهد بود. از همین روست که در زیارت اربعین می‌خوانیم: «وَمَنْحَ النَّصِیحِ وَبَدَلَ مُهْجَتَهُ فَبِئْسَ لَيْسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَخَيْرَهُ الصَّلَاةِ؛ گواهی می‌دهیم که سیدالشهدا علیه السلام بی دریغ خیرخواهی کرد و خون قلب خویش را بذل نمود، برای اینکه بندگان خدا را از جهالت و حیرت گمراهی نجات دهد».

بیان آیت الله جوادی آملی

گاهی بیداری جامعه و مبارزه با انحراف‌ها «خون» می‌طلبد. امام نیز خون قلب خویش را در راه خدا نثار کرد: «وَبَدَلَ مُهْجَتَهُ فَبِئْسَ لَيْسْتَنْقِذَ». «استنقاذ» معمولاً برای نجات غریق به کار می‌رود. آیت الله جوادی آملی می‌فرماید: «حسین بن علی علیه السلام خون داد تا مردم را از جهالت نجات دهد... این کار با گفتن و نصیحت حل نمی‌شد؛ این خون علی اصغر علیه السلام و خون علی اکبر علیه السلام و خون شهداء را می‌خواست».

بیان شهید مطهری

شهید مطهری در این باره می‌نویسد: یکی از علل و یا مهمترین علت شهادت امام حسین علیه السلام ... گرویدن مردم به امویان، جهالت مردم بود... در حقیقت امام حسین علیه السلام با ظلم مبارزه می‌کرد و با جهل، چنانکه در زیارت به ما تلقین و تعلیم کرده‌اند: «... لَيْسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ...» ... مقصود از جهالت مردم این نبود که چون مردم بی سواد بودند... نه، در اصطلاح دین «جهالت» بیشتر در مقابل «عقل» گفته می‌شود و مقصود آن تنبّه عقلی است که مردم باید داشته باشند. به عبارت دیگر امام حسین علیه السلام شهید فراموشکاری مردم شد؛ زیرا مردم اگر در تاریخ پنجاه شصت ساله خودشان فکر می‌کردند... گول ظاهر فعلی معاویه را... نمی‌خوردند.

پاسخ یک پرسش

حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا امام علیه السلام در رشد فکری و جهل زدایی موفق بود؟ آیت الله آصفی می‌نویسد: «قیام امام علیه السلام بر ضد یزید... تأثیر بسیاری در بطلان مشروعیت خلافت اموی داشت و وجدان و احساسات مسلمانان را برانگیخت؛ حتی قاتلان و دشمنان حضرت به جرم و جنایت خویش پی برده، گرفتار سرزنش وجدان خود بودند و به سبب فریبی که از یزید و دیگر خلفا خورده بودند، از اینان کینه به دل گرفتند؛ در نتیجه خلافت از مشروعیت افتاد».

نتیجه مقابله امام علیه السلام با دین زدایی

امام علیه السلام در برابر دین زدایی امویان نیز بسیار موفق عمل کرد؛ چنانکه در این گزارش آمده است: پس از شهادت امام حسین علیه السلام، ابراهیم بن طلحة بن عبیدالله خطاب به امام سجاد علیه السلام گفت: «ای علی بن الحسین! چه کسی (در این مبارزه) پیروز شد؟». امام فرمود: «اگر می‌خواهی بدانی چه کسی (یزید یا امام حسین علیه السلام) پیروز شده است، هنگامی که وقت نماز فرار رسید؛ اذان و اقامه بگو (آن‌گاه بین چه کسانی ماندند و چه کسانی رفتند)». با این پاسخ به او فهماند که هدف یزید محو اسلام و نام رسول خدت صلی الله علیه و آله بود، ولی همچنان طنین «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» بر مآذنه‌ها می‌پیچد و مسلمانان در همه جا. حتی در شام و پایتخت سلطنت یزید. به یگانگی خدا و رسالت محمد صلی الله علیه و آله گواهی می‌دهند.

اعتراف مستشرق آلمانی

موسیوماربین آلمانی می‌گوید:

«حسین علیه السلام با قربانی کردن عزیزترین افراد خود، با اثبات حقانیت خود، به دنیا درس فداکاری آموخت و نام اسلام را در تاریخ بلندآوازه ساخت و اگر چنین حادثه‌ای پیش نیامده بود، ممکن بود یکباره اسلام نابود گردد».

ملانک گریه می‌کردند با ما اربعینش را
خداشش گوشه کرد از روز عاشورا زمینش را
رسیده جبرئیل از آسمان در بعثت حضرت
تسلی می‌دهد تا روز عاشورا آمینش را
قسم داده به عاشورا خدا در شطی از آیات
قسم خورده اگر در سوره‌ها زیتون و تینش را
نوشته روی دجله با خطوط موج، ثارالله
و می‌ساید فرات از شرم بر خاکش جبینش را

حیات سعادت‌مندان

شهادت در راه خدا، فوز عظیم است که امام حسین علیه السلام به آن دست یافت؛ چنانکه در زیارت اربعین آمده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ... الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ، أَكْرَمْتَهُ بِالشَّهَادَةِ وَ حَبَوْتَهُ بِالسَّعَادَةِ؛ پروردگارا من گواهی می‌دهم که آن حضرت به لطف و کرمت رستگار شد و او را به فیض شهادت گرمی داشتی و به سعادت مخصوص گردانیدی». در فراز دیگری از امام علیه السلام به عنوان کسی یاد می‌شود که حیات سعادت‌مندان دارد: «أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَ ابْنُ أَمِينِهِ، عَشْتُ سَعِيداً، وَ مَضَيْتُ حَمِيداً وَ مِتُّ فَقِيداً مَظْلُوماً شَهِيداً؛ گواهی می‌دهم که تو امین و وحی‌خدایی و فرزند امین حق، همه عمر با سعادت در جهان زیستی و با ثنای حق درگذشتی و از دنیا رحلت کردی و مظلوم و شهید راه حق گشتی».



پیروز حقیقی در مکتب عاشورا

پیروزی آن نیست که انسان از میدان نبرد سالم به درآید یا دشمن خود را به خاک هلاکت افکند؛ بلکه پیروزی آن است که انسان هدف خود را پیش ببرد و دشمن را از رسیدن به مقصود خود باز دارد. در مکتب عاشورا شهادت و پیروزی ظاهری هر دو پیروزی است؛ چنانکه آیه «قُلْ هَلْ تَرْتَضُونَ بِنَا إِلَّا إِخْدَىٰ الْخَشْيَتَيْنِ»، ناظر به همین معناست. از همین روست که امام حسین علیه السلام از شهادت به عنوان فتح بزرگ یاد نمود: «أَمَا تَعُدُّ فَيَأْتِي مَنْ لِحَقِّ بِي اِشْتِشَهْدَ وَمَنْ لَمْ يَلْحَقْ بِي لَمْ يُدْرِكِ الْفَتْحَ؛ هر که به من ببیوندد، شهید می شود؛ اما اگر نبیوندد، به فتح و پیروزی نمی رسد».

پاداش الهی

خدای متعال در برابر فداکاری و شهادت اباعبدالله علیه السلام پاداشی بس بزرگ به آن حضرت عطا کرد. از روایات استفاده می شود که زندگی انسان با برداشتن کلامش در نوزادی با تربیت سیدالشهدا علیه السلام آغاز می شود چنانکه امام صادق علیه السلام فرمودند: «حَتَّىٰ كَوْنُوا أَوْلَادَكُمْ بِتَرْبِيَةِ الْحُسَيْنِ علیه السلام» و با قراردادن تربیت در قبر زندگی اش به پایان می رسد؛ چنانکه امام موسی کاظم علیه السلام فرموده است: «خدای متعال تربیت جدم امام حسین علیه السلام را برای شیعیان و دوستان ما شفا قرار داده است».

برخورد امام سجاد علیه السلام با تربیت امام حسین علیه السلام

در احوال امام سجاد علیه السلام آمده است که حضرت تربیت امام حسین علیه السلام را در پارچه ای نگه می داشت و هر گاه وقت نماز می رسید، آن (تربیت) را روی سجاده اش می ریخت و بر آن سجده می کرد و در عزای سرور آزادگان جهان بسیار گریه می نمود.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «فَمَا بَكَثَ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ» فرموده است: «آسمان و زمین تا قبل از مرگ یحیی بن زکریا بر کسی گریه نکرد تا اینکه حسین علیه السلام کشته شد و بر او نیز گریه کرد».

سفارش اهل بیت علیهم السلام بر گریه بر امام حسین علیه السلام

اهل بیت علیهم السلام نیز برای امام حسین علیه السلام بسیار گریه می کردند و مردم را سفارش می نمودند که در مجالس اقامه عزا، مصائب اباعبدالله علیه السلام را بخوانند و بر آن گریه کنند «یوم لایومک یا اباعبدالله».

امام حسین علیه السلام نیز درباره خود فرموده است: «أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ؛ من کشته اشکم». این جمله در احادیث چنین تفسیر شده است: «أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ لَا يَذْكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَعْبَرَ؛ من کشته اشکم. مؤمنی از من یاد نمی کند، جز اینکه می گرید».

ولایت و برائت

ولایت بدون برائت معنا ندارد؛ زیرا ولایت و برائت، دو روی یک جریان و حقیقتی واحدند و موضع گیری ما از آن دو تشکیل می شود. بر این اساس به امام صادق علیه السلام عرض شد: «فلانی شما را دوست دارد، اما در ابراز برائت از دشمن تان ضعیف است». حضرت فرمود: «هر که ادعای محبت ما را داشته باشد، اما از دشمن مان بیزار نباشد؛ دروغ گفته است».

برائت از دشمنان

یکی از محورهای مهم زیارت اربعین، برائت از دشمنان است. در بسیاری از زیارت نامه ها در کنار سلام به عنوان موالات، «لعن» دشمنان نیز دیده می شود که نشانه تبری از دشمنان اهل بیت علیهم السلام است؛ چنانکه در زیارت اربعین آمده است: «اللَّهُمَّ فَالْعَنُهُمْ لَعْنًا وَبِيْلًا وَعَدْبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا؛ پروردگارا! تو آن قوم ستمکار ظالم را لعن شدید کن و به عذاب سخت دردناک معذب نما». همچنین در این زیارت آمده است: «فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَمَعٌ عَدُوِّكُمْ». در زیارت جامعه کبیره و زیارت عاشورا نیز این تعبیر دیده می شود: «فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَمَعٌ عَدُوِّكُمْ».

لعن راضیان به قتل امام حسین علیه السلام

توسط امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام در فرازی از زیارت اربعین می فرماید: «... فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَزَضِيَتْ بِهِ؛ خداوند لعنت کند کسانی را که تو را کشتند و به تو ظلم کردند و خداوند لعنت کند کسانی را که این موضوع را شنیدند و به آن راضی شدند»؛ زیرا در فرهنگ دینی هم جنایتکاران و ظالمان مطرود و ملعونند و هم کسانی که هر چند در ظاهر ساکت بوده اند و با جنایتکاران همکاری نداشته اند، ولی در دل به کار آنان راضی بوده اند و شریک جرم هستند.

سر نوشت دشمنان

یزید بعد از چهار سال از قیام کربلا به هلاکت رسید و دیگر ظالمان مانند ابن سعد نه تنها به حکومت ری نرسید؛ بلکه به بدترین شرایط مرد. مختار تعداد زیادی از جنایتکاران واقعه عاشورا را کشت و برخی دیگر نیز به بدترین وضع کشته شدند و یا مردند. در زیارت اربعین به سرنوشت دشمنان این گونه اشاره شده است: «گواهی می دهم که خدای متعال وعده ای که به تو داده است، به آن وفا کند و آنان که تو را خوار و مضطر گذاشتند، همه را هلاک کند و قاتلانت را عذاب سخت چشاند».

عوامل بدبختی یزید و یارانش

در زیارت اربعین

حال شاید این سؤال مطرح شود که چرا یاران یزید به چنین سرنوشتی گرفتار شدند؟ در زیارت اربعین درباره عوامل بدبختی یاران یزید به چند عامل مهم مانند دنیا طلبی، اطاعت از وسوسه های نفسانی و پیروی از حاکمان ظالم و منافق اشاره شده است:

- «و مردمی که مغرور دنیا شدند و بهره آخرت شان را به متاع ناچیز پست دنیا فروختند و ظلم و جور کردند».

- «و در پیروی هوای نفس هلاک شدند و تو را و پیغمبرت را به خشم آوردند».

- «از آن بندگان که از اهل شقاق و نفاق و دشمنی با تو بودند، پیروی کردند؛ در صورتی که آن ها حامل بار سنگین گناه و معاصی و مستوجب آتش دوزخ بودند».

درنگی در انتظار عاشورایی

تلخیصی از مقاله استاد پورسید آقایی با اندکی تصرف

یک. انتظار عاشورایی

حسین علیه السلام با شهادت خود، پایه گذار فرهنگ شهادت شد و این فرهنگ، آن چنان در فرهنگ مسلمین ریشه دواند و در دل ها جا باز کرد که به عنوان الگو، سرآغاز بسیاری از حرکت ها و قیام های حق طلبانه در سرزمین پهناور اسلامی بر علیه خلفا و حاکمان ستمگر، شد. در عراق؛ بصره و کوفه (سلیمان بن صرد، مختار، زید بن علی)، در حجاز؛ مدینه و مکه، در خراسان (یحیی بن زید). و هنوز هم همه عدالت خواهان و مردان تاریخ، می گویند باید پا جای پای حسین علیه السلام و شهدای کربلا گذاشت (گاندی)

انتظار نیز به عنوان یکی از بزرگترین، قوی ترین و انگیزه سازترین آرمان های انسانی، نقش بی بدیلی در از بین بردن بی‌اس و ناامیدی و پیروزی نهایی مظلومان بر مستکبران دارد «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» ما در برابر او خواستیم بر آنان که در زمین ضعیف شمرده شدند منت نهاده ایشان را پیشوایان خلق کنیم و وارث دیگران قرار دهیم. همچنان که می تواند به عنوان یک راهبرد اساسی و کلیدی در تمامی ابعاد سیاسی، اجتماعی، تربیتی و فکری یک جامعه تاثیر گذار باشد.

از طرف دیگر منتظر ظهور مصلح، خود باید صالح باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّ لَنَا دَوْلَةً يَجِيءُ اللَّهُ بِهَا إِذَا شَاءَ. ثُمَّ قَالَ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَخَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ: ما دولت و حکومتی داریم و خداوند، هرگاه بخواهد این دولت ظهور خواهد کرد و اگر کسی خوشحال و خشنود می شود که از یاران مهدی علیه السلام باشد؛ پس منتظر باشد و در حال انتظار، اهل ورع و اجتناب از گناهان و اهل محاسن و مکارم اخلاق باشد».

(منتخب الاثر، ص ۴۹۷، فصل ۱۰، باب ۲، ج ۹)

دو. یاران آسمانی

یاران حسین علیه السلام بهترین یاران و فدایی او بودند. آنان از معرفت، محبت، اطاعت و تسلیم نسبت به امام خود و سبقت در اجرای خواسته ها و فرامین او برخوردارند و در عبادت، صداقت، اخلاص و شجاعت یگانه دوران بودند. یاران مهدی علیه السلام نیز چنین اند:

«هُمْ أَطْوَعُ لَهُ مِنْ الْأَمَّةِ لِسَيْدِهَا: آنها مطیع تر از کنیز نسبت به مولای خود هستند» (بخارا انوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸)
«كَدَّاءُونَ مُجْدُونَ فِي طَاعَتِهِ: یاران مهدی علیه السلام در فرمانبرداری از حضرتش، بسیار مصمم اند» (همان، ص ۳۱)
«لَهُمْ سِبْهَمِ الْأُولُونَ وَ لَائِدِرْهُمْ الْأَخْرُونَ: آنان [در شایستگی ها و امتیازات بر اوج رفیعی اند] نه از نسل های گذشته، کسی از آنان پیشی گرفته و نه از آیندگان، کسی به مقام والای آنان می رسد» (معجم احادیث الامام مهدی، ج ۳، ص ۱۰۰)
«رَهْبَانٌ بِاللَّيْلِ لِيَوْتُ بِالنَّهَارِ، كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ رُبْرُ الْحَدِيدِ: عابدان شب و شیران روزند، [در شجاعت] قلوبشان همچون پاره های آهن است» (بخارا انوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶)

سه. ضرورت درگیری و نبرد

درگیری بین حق و باطل، ایمان و کفر، یک ضرورت است؛ چون حقیقت «ایمان»، حرکت و خصلت «کفر» ایستادگی و ماندگی است. ساده اندیشی است اگر گمان شود، مسائل و مشکلات، تنها با گفت و گو حل می شود. باید به فکر پس از گفت و گو هم بود که اگر زیر بار حق نرفتند و یا خواستند بر ظلم خود باقی بمانند، چه باید کرد؟ پس از گفتگو و دو گروه شدن، مخاصمه و درگیری هم هست یا نه؟ «فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ: آن وقت دو گروه شدند که بایکدیگر مخاصمه می کردند» (نمل، ۴۵)

به راستی آیا مشکل اسرائیل و فلسطین، با گفت و گو حل می شود؟ آیا آمریکا با گفت و گو حاضر است، از خوی استکباری خود دست بردارد؟

نبرد امام حسین علیه السلام و یزید، جنگ مهدی علیه السلام و مستکبران، نبرد حق و باطل است؛ یکی در محدوده کربلا و دیگری در وسعت همه زمین.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«لَيْسَ شَأْنُهُ إِلَّا السَّيْفُ» او فقط شمشیر را

می شناسد. (الغیبة، نعمانی، ص ۲۳۳)

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«لَا يَكْفُونُ سَيُوفَهُمْ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: یاران قائم شمشیرهای خویش را بر

زمین نمی نهند تا این که خدای عزوجل

راضی شود». (بخارا انوار، ج ۵۲، ص ۲۷)

چهار. سازش ناپذیری

حسین علیه السلام در رد درخواست یزید بر بیعت،

با قاطعیت می گوید: «وَمِثْلِي لَا يَبَايِعُ مِثْلَهُ»

حضرت مهدی علیه السلام نیز با هیچ کس سر

سازش ندارد. امام باقر علیه السلام و صادق علیه السلام

می فرمایند: «يَقْتُلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ حَتَّى يَرْضَى

اللَّهُ: دشمنان خدا را می کشد تا خدا راضی

گردد». (الغیبة شیخ طوسی، ص ۳۲)

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ

«سلام بر تو ای مولایی که بر زمان احاطه داری»



انتظار صبح

.... شعر مهدوی

میرزا میر محیی الدین مهدی الهی قمشه ای، از حکما و فلاسفه بزرگ معاصر، در سال ۱۳۱۹ ق، در قمشه اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات خود را در اصفهان و مشهد گذراند و در تهران در مدرسه سپه سالار و دانش سرای عالی و دانشگاه تهران به تدریس پرداخت. از وی حدود ده جلد کتاب، باقی مانده است. وی حدود پنج هزار بیت سروده است. و در ربیع الثانی ۱۳۹۳ ق درگذشت.

شب ها ستاره می‌شمرم ز انتظار صبح
بر یاد مهرروی تو ای شهریار صبح
با ماه و اختران، شب هجران نشسته ایم
تا کاروان، بشارتی آرد ز یار صبح
روزی سرآید این شب هجران، تو شاد باش
وز پرده ی فلک به درآید نگار صبح
بر عاشقی که مژده برند از شب وصال
مرغ خیال او بیزد از شاخسار صبح
پروانه و من و دل و شمع و شب فراق
سوزیم ز اشتیاق تو در انتظار صبح
مرغان گلستان همه با سوز و ساز عشق
نالند خوش به یاد تو ای گلگذار صبح
ترسم شب فراق کِشد تا به روز حشر
چون دست عشق داده سپهر، اختیار صبح
با چشم اشکیار و دل آتشین چو شمع
بشتاب «الهی» از پی یار و دیار صبح

دانشنامه امام مهدی علیه السلام، ج ۱۰، ص ۱۷۷
به نقل از کتاب خوشه های طلایی، ص ۹۴

آفتاب نورانی

ای جمال زیباییت، ظلّ حُسن بیزدانی
گشته آشکار از وی، سرّ غیب پنهانی
ای زُخت به نیکویی، ماه در شب عالم
چهره دل آرایت، آفتاب نورانی

چهره دل آرا را بر جهانیان بنما
چند زُخ نهران سازی، ای که بر جهان، جانی؟
ز انتظار عالم را، از کرم بُرون آور
ساز ملک گیتی را ز شک باغ رضوانی

بر کمال صنع خویش، حق تبارک الله گفت
چون تو را به حُسن آراست، ربّ نوع انسانی
از تو بر سر آدم، تاج عزّ «کرمنا» ست
نوح را تویی رهبر، ز انقلاب توفانی

هم نهران و هم پیدا، در مَثَل چو خورشیدی
گر چه از نظر چندی است زیر ابر، پنهانی
ای عجب، به پنهانی، می زند ره دل ها
نرگست به شهلائی، زلفت از پریشانی

از عطای مسکینان، مُلک حُسن و احسانت
کم نگردد ای منعم، چون عطای رحمانی
راه سخت و منزل دور، شام تار و مه بی نور
پای خسته، دل رنجور، رهبر تو خود دانی

ای به کشور ایمان، شهریار بی همتا
وی به عرصه امکان، گنج علم سبحانی
آیت خدایی تو، جان مصطفایی تو
قلب مرتضایی تو، هفت سرّ قرآنی

ما به محفل عشقت، همچو شمع و پروانه
سوز عاشقی در دل، داغ دل به پیشانی
چند دیده ما را در رهت کنی جیحون
روشن از زُخت گردان، این جهان ظلمانی

موسی از جلالت یافت، ملک و عزّت و دولت
عیسی از جمالت گشت، فرد قدس روحانی
ز آن جمال قدوسی پرده برفکن، کز عشق
بر زُخت شود حیران، چشم ماه کنعانی

از زُخت نقاب افکن، راز عالمی بگشا
تا عیان شود بر خلق، سرّ اول و ثانی
حال ما مسلمانان، در هم است و بی سامان
درد ما شود درمان، از لبت به آسانی

کار دل شده مشکل، دور، کشتی از ساحل
روزگار نامقبل، داد از این پریشانی
چشم عاشقان تا کی، ریزد از فراق خون؟
دردمند هجرانیم، ای طبیب درمانی

خاطر «الهی» را از زُخت چو ماه افروز
کز غمت شب هجران، در هم است و ظلمانی

کتاب سروده های مهدوی

کتابشناسی

در این مجموعه تلاش شده است اشعار فارسی علما و مراجع بزرگ تاریخ شیعه در باره حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه گردآوری شود تا رجوع به شعر گذشتگان، در دو وجه محتوایی و هنری صورت پذیرد.

از اهداف این تحقیق، احیای میراث مکتوب شیعی در عرصه شعر مهدوی و زنده نگاه داشتن آن برای نسل های آینده، آشنا ساختن شاعران و هنرمندان جوان با پیشینه سترگ شعر مهدوی و زمینه سازی برای پژوهش های کاربردی و عمیق در این عرصه است.

از طرف دیگر، بسترسازی برای رشد شاعران جوان کشور، با توجه به الگوهای متعهد و عالم، مورد توجه بوده است؛ زیرا با عنایت به این که اشعار این کتاب، سروده عالمان و فقیهان تراز اول است، طبیعتاً از بسیاری از آسیب ها به دور است و می تواند نقش مؤثری در شناساندن صحیح امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و تاریخ زندگی ایشان به شاعران جوان داشته باشد.

در این مجموعه، اشعار ۳۲ چهره شاخص در علوم دینی از قرن دهم تا به امروز در مدح و ستایش امام مهدی عجل الله تعالی فرجه جمع آوری شده است.

ترتیب و چینش شاعران، بر اساس تاریخ قمری ولادتشان است و پیش از آغاز اشعار، معرفی مختصری از شاعر، آورده شده است. این معرفی، عبارت است از:

تاریخ و محلّ ولادت، محلّ تحصیل و استادان، آثار و در برخی موارد، تاریخ رحلت و محلّ دفن آنان.

در انتخاب اشعار، تنها به موضوع و مضامین مرتبط با صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه توجه شده و هیچ گونه انتخابی از نظر قالب، شاعرانگی و... صورت نپذیرفته است.

پدیدآورنده: محمد غفاری

ناشر: باهوش

تاریخ انتشار: ۱۳۹۷

تعداد صفحه: ۱۰۲

زبان: فارسی

محل نشر: قم

نوبت چاپ: اول

تعداد جلد: یک

قطع: رقعی

سروده های مهدوی

نخوابی شاعران عالمان با امام عصر (عج) به کوشش: محمد غفاری

همراهی زنان

با امام حسین علیه السلام و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف

حجت الاسلام سید مسعود پورسیدآقایی

جابرین یزید جعفری از امام باقر علیه السلام نقل می کند:

«سوگند به خدا سبب و ده و اندی نفر مرد، در میانشان پنجاه نفر زن هستند، در مکه اجتماع می کنند، بی آنکه قبلاً وعده داده باشند (یعنی ناگهان می آیند)» (بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۲۳۳)

ام سلمه نیز از پیامبر گرامی خدا صلی الله علیه و آله چنین روایت کرده است: «در آن هنگام پناهنده ای به حرم امن الهی پناه می آورد و مردم همانند کبوترانی که از چهار سمت به یک سو هجوم می برند به سوی او جمع می شوند تا این که در نزد آن حضرت سبب و چهارده نفر گرد آمده که برخی از آنان زن می باشند که بر هر ستمگر و ستمگر زاده ای پیروز می شوند». (مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۵)

لزوم عنایت ویژه به زنان

با توجه به نقش زنان در قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و حضور آنان در دولت کریمه، باید برای رشد، اعتلا و بالندگی این قشر مهم و اثرگذار سرمایه گذاری جدی صورت گیرد.

به نظر می رسد تا کنون آن گونه که شایسته و در خور منزلت زنان است، کاری بایسته برای آنان صورت نگرفته است. هنوز در سطح حوزه ها، مراکز علمی - فرهنگی، و مدیریت های میانی و کلان جامعه، نقش زن در حاشیه است. باید برای تربیت و تحصیل زنان، سرمایه گذاری های اساسی صورت گیرد. غفلت از این نگاه راهبردی، ضرر و زیان - های جبران ناپذیری به انقلاب اسلامی وارد ساخته است. از این رو تلاش دو چندان و آگاهانه، جهت جبران این ضایعه را می طلبد.

۱. وی اهل بصره و خانه اش، کانون شیعیان امام علی علیه السلام بود. از آن کانون تنی چند به یاری حسین علیه السلام شتافتند و شهید شدند؛ گرچه خود وی نیامد
۲. پس از مردن یزید، برخی از بزرگان و اشراف کوفه تصمیم گرفتند عمرسعد را به عنوان امیر خود برگزینند. زنان قبیله بنی همدان تا این خبر را شنیدند، هلهله کنان داخل مسجد شدند و از این کار ممانعت کردند. آنان می گفتند شما می خواهید کسی را حاکم کنید که فرزند رسول خدا را به شهادت رسانده است؟

نقش زنان، در هیچ حرکتی از حرکت های اسلامی و شیعی - از صدر اسلام تا کنون - به اهمیت و برجستگی نقش زن در قیام «عاشورا» نبوده است.

«عاشورا» تنها صحنه ای است که در آن «زن» در متن قرارداد و نه حاشیه و نقش زن شیعی در آن، پررنگ و پر حضور است و شاید یکی از رمزهای جاودانگی آن همین باشد.

نقش «زینب»، این شیرزن در بادل کربلا و همسر و دختران امام حسین علیه السلام - به عنوان پیام آوران واقعه عاشورا - از جایگاه خاصی برخوردار است. نقش ام وهب، دلهم (زن زهیر)، طوعه، ماری (۱) و حتی زنان قبیله بنی همدان (۲)، غیر قابل کتمان است.

مرحوم حاج شیخ ملاسلطان علی تبریزی - که از جمله عابدان و زاهدان بود - در عالم رؤیا خدمت امام زمان علیه السلام رسید و عرض کرد: آیا این که فرمودید: «لَأُذَبِّتَنَّكَ صَبَاحًا وَمَسَاءً وَ لَأُذَكِّبَنَّ عَلَيَّكَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَمًا» صحیح است؟ فرمود: آری، صحیح است.

عرض کردم: آن کدام مصیبت است که به جای اشک، خون گریه می کردید؟ آیا مصیبت حضرت علی اکبر علیه السلام است؟ حضرت فرمود: اگر علی اکبر علیه السلام هم بود، در این مصیبت خون می گریست.

- آیا مصیبت حضرت عباس علیه السلام است؟
- اگر عباس علیه السلام هم بود، در این مصیبت خون گریه می کرد.

- آیا مصیبت حضرت سیدالشهدا علیه السلام است؟
- اگر سیدالشهدا علیه السلام هم بود، در این مصیبت خون گریه می کرد.
- پس کدام مصیبت است؟
- مصیبت اسیری زینب علیه السلام.

در قیام حضرت مهدی علیه السلام نیز چنین است و زنان از جایگاه ویژه ای برخوردار خواهند بود. نقش زن در عصر ظهور، همچون نقش مدعیان امروز و طرفداران حقوق زن نیست که او را تا سرحد یک کالا و وسیله ای برای لذت طلبی و عیاشی تنزل داده اند.



هزاران گام در راه دل‌مشاق و من حیران

که چون ره می تویم بافتن سوی درون من تم

رهبر انقلاب اسلامی:

خوشا به حال آن کسانی که در حال پیاده‌روی هستند با پیاده‌روی خواهند کرد و به زیارت اربعین خواهند رسید و آن زیارت خوش مضمون روز اربعین را ان شاء الله خطاب به حضرت خواهند خواند. ما هم اینجا با شوق و با حسرت نگاه میکنیم به این گامهایی که: هزاران گام در راه است و دل مشتاق و من حیران

که چون ره می تویم بافتن سوی درون من تم

۱۳۹۶/۰۸/۱۵

پیام اربعین از زبان مقام معظم رهبری عَلَيْهِ السَّلَام

اینجا با وجود موانع فراوان، از ایران فقط دو میلیون نفر برای پیاده‌روی هشتاد کیلومتری بلند می‌شوند می‌روند کربلا؛ چند برابر آن [هم] از خود عراق و از مناطق دیگر؛ این یک حادثه الهی است، این یک پدیده‌ی الهی است؛ این نشان‌دهنده‌ی این است که این راه، راه عشق است؛ منتها نه عشق مجنونانه، عشق همراه بصیرت؛ مثل عشق اولیا به خدا: **اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حُبَّكَ وَ حُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ وَ حُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُوصلُنِي إِلَيْكَ فَرِيحًا**؛ این حب و این عشق، عشق همراه با بصیرت است؛ میداند، میفهمد و این جاذبه او را میکشد، این مغناطیس او را میکشد. خب، بنابراین کار، کار بزرگی است؛ پدیده، پدیده‌ی عظیمی است. من اولاً به کسانی که موفق شدند و رفتند، خوشامد عرض می‌کنم و قبول الهی را برای کارشان درخواست می‌کنم و غبطه‌ی خودم را نسبت به کار آنها عرض می‌کنم. از مردم عراق که پذیرایی کردند، محبت کردند، این جمعیت عظیم را توستند

ظرف چند روز اداره کنند، تشکر می‌کنم. حادثه، حادثه‌ی فوق‌العاده مهمی است.

بیانات در دیدار بسیجیان ۱۳۹۵/۰۹/۰۳

پیاده‌روی اربعین؛ حرکت عشق و ایمان

این روزها روزهای نزدیک به اربعین است. پدیده‌ی بی نظیر و بی سابقه‌ای هم در این سال‌های اخیر به وجود آمده و آن، پیاده‌روی میان نجف و کربلا یا بعضی از شهرهای دورتر از نجف تا کربلا است؛ بعضی از بصره، بعضی از مرز، بعضی از شهرهای دیگر، پیاده‌راه می‌افتند و حرکت می‌کنند. این حرکت، حرکت عشق و ایمان است؛ ما هم از دور نگاه می‌کنیم به این حرکت، و غبطه می‌خوریم به حال آن کسانی که این توفیق را پیدا کردند و این حرکت را انجام دادند:

گرچه دوریم به یاد تو سخن می‌گوییم
بُعد منزل نبود در سفر روحانی

بیانات مقام معظم رهبری در ابتدای درس خارج فقه ۱۳۹۴/۹/۹

فرصتی که باید مغتنم شمرد

این حرکت عظیم مردم از ایران، از کشورهای دیگر اسلامی، از هند، از اروپا، حتی از آمریکا و کشورهای دیگر، از راه‌های دور، افرادی می‌آیند در این راه‌پیمایی شرکت می‌کنند؛ دو روز، سه روز بیشتر یا کمتر - در این راه، پای پیاده حرکت می‌کنند؛ مردم عراق هم انصافاً با کمال بزرگواری و محبت‌پذیری می‌کنند از اینها؛ خیلی حرکت عظیم و پر معنا و پر مغزی است و کسانی که موفق می‌شوند باید مغتنم بشمارند.

بیانات در ابتدای درس خارج فقه ۱۳۹۴/۹/۹

پیاده‌روی اربعین مظهر عشق همراه با بصیرت

معمولاً در این جور پدیده‌هایی که انسان مشاهده می‌کند که تبلیغاتی برای آن انجام نگرفته لکن ناگهان یک پدیده‌ای در محیط دید انسان بروز می‌کند، دست‌خداایی مشهودتر از همه جای دیگر است... اینها پدیده‌هایی است که هیچ تبلیغاتی هم برایش نمیشود، تلاشی هم انجام نمی‌گیرد. شما ببینید برای اینکه ده هزار نفر، پنجاه هزار نفر را یک جا جمع کنند، چقدر تلاش تبلیغاتی در دنیا انجام می‌گیرد، آخرش هم نمی‌شود.

از اربعین تا قیام جهانی حضرت مهدی

عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فَرَجَةَ الشَّرِيفِ

حجت الاسلام خدامراد سلیمیان



جلوه های اربعین

از جمله جلوه های اربعین در رابطه با قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف این است که کسانی که با تمام وجود برای این اتفاق حضور پیدا می کنند، تعلقات مادی را کنار گذاشته و همه مشقات و سختی ها را به جان می خردند تا در آن فضای ملکوتی قرار بگیرند به نحوی که همه دوستدار خدمات رسانی به هم هستند؛ مامی توانیم این حرکت عظیم را نمونه کوچکی از آن اتفاق بزرگ بدانیم و قطعا برای کسانی که با تمام وجود این اتفاق ها را لمس می کنند تحقق چنین حادثه ای در گستره جهانی در حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف نیز باور پذیر می شود و معادلات مادی و طمع ورزانه دیگر آنجامعناپی ندارد.

هشدار نسبت به بروز جریان های انحرافی

مهدویت در مسیر اربعین حسینی

بی شک نباید از آسیب هایی که برخی از فرصت طلبان در اربعین حسینی به دنبال آن هستند بگذریم؛ چرا که برخی خواسته یا ناخواسته با ادعاسازی، جریان سازی و حضور کم و بیش غیر قابل قبول، خود را به عنوان نمایان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف به مردم معرفی کنند. به طور قطع کسانی که در این تظاهرات عظیم انسانی حضور دارند باید به این نکات توجه داشته باشند؛ کسانی که ادعای نیابت و ارتباط با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف را دارند ممکن است در این خیل عظیم زمینه هایی را فراهم کنند که به اصل اسلام و ظهور حضرت آسیب بزند؛ بنابراین شناخت این جریان های در ظاهر دینی اما دشمن دین، بسیار حائز اهمیت است.

..... نکته پایانی

پیوند راه پیمایی اربعین با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف را می توان به عنوان نمایش عظیم انسانی برای دلدادگی و افزایش بصیرت انسانها با امام معصوم تصور کرد و این اتفاق مبارکی است؛ امید داریم این اتفاق منجر به اتفاق بزرگ و جهانی در رابطه با عدالت خواهی و پاسخ به ندای مظلومین باشد که منجر به ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف خواهد شد.

اهداف بلند امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف در رویارویی با باطل

همواره در تاریخ بشر نیروهای باطل ایستاده و مبارزه کرده اند؛ بنابراین همواره در طول تاریخ بین دو جبهه حق و باطل رو در رویی بوده است؛ اعتقاد شیعه بر این است که بزرگترین رو در رویی دو جبهه حق و باطل در آخر الزمان توسط مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشريف شکل خواهد گرفت و در این رو در رویی اهداف بلندی مد نظر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف به عنوان رهبر جبهه حق خواهد بود.

پیوند اربعین و مهدویت

در روایات و زیارات فراوانی داریم که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف به عنوان منتقم امام حسین عجل الله تعالی فرجه الشريف قیام می کنند، بنحوی که یکی از القاب حضرت منتقم است؛ اگر انتقام گرفتن را به دو بخش تقسیم کنیم؛ انتقامی که خداوند به ولی دم اختصاص داده و انتقامی که آلوده به کینه و رزوی باشد که شیوه دوم در زمره خواسته های نفسانی قرار می گیرد و چندان پسندیده نیست؛ اما شیوه اول به عنوان حکمی از سوی خداست که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف آن را به طور کامل اجرا می کند؛ بنابراین پیوند قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف با عاشورا ناگسستگی است و این موضوع به قدری حائز اهمیت است که در برخی از ادعیه و زیارت بر آن تأکید شده است.

شفاف سازی ارتباط اربعین و ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف

در حالت کلی می توان گفت احساس آمادگی جهانی برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف می تواند از شرایط و زمینه های ظهور آن حضرت باشد؛ اما اینکه ما به طور مشخص به مخاطبین امید قطعی بدهیم که این اتفاق حتما در راستای ظهور است [و منتهی به ظهور می شود] به مصلحت مهدویت نیست؛ اگر چه توجه به این نکته بسیار مهم است که این اتفاق بزرگ در کمال ناباوری دشمنان اسلام، چند سالی است سیل عظیمی از عاشقان امام حسین عجل الله تعالی فرجه الشريف را به دنیا معرفی کرده که این موضوع می تواند الگویی برای آزادگان جهان و منجر به آشنایی افکار عمومی جهان با شاخص ها و مؤلفه های عصر ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و چرایی قیام امام حسین عجل الله تعالی فرجه الشريف باشد.

شباهت های جامعه مهدوی با اربعین حسینی

شاید اگر کسی پنج دهه پیش ادعا می کرد که در حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف انسانها به صورت رایگان به دیگران خدمات، کالا و مایحتاج عرضه می کنند باور کردنی نبود، اما اربعین حسینی نشان داده انسانها برای رسیدن به قرب الهی و محبت و مودت پیشوایان معصوم عجل الله تعالی فرجه الشريف هر آنچه که دارند را در طبق اخلاص گذاشته و در اختیار دیگران قرار دهند.

حقیقت این است ...

شاید باور این موضوع در جامعه امروز ما سخت باشد که اگر من هر آنچه که دارم به صورت رایگان در اختیار دیگران بگذارم یقینا مفلوک می شوم؛ اما این موضوع زمانی که عقل انسانها به کمال می رسد و طمع و رزوی های انسان از دست می رود و از سوی دیگر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف این امنیت و اطمینان خاطر را به مردم جهان می دهند که هیچ گاه درمانده نمی شوند، همه انسانها برای رفع نیازهای دیگران گام برمی دارند حقیقتی که ما گوشه و چشمه ای از آن را در جر بیان راه پیمایی اربعین می بینیم.



اعلام نصرت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف شاه بیت زیارت اربعین

حجت الاسلام رحیم کارگر

منتظران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف براساس فرهنگنامه زیارت اربعین باید مرزها و صفوف خود را با یزیدی مسلکان و سفیانی مسلکان مشخص کنند و در بینش و باور، گرایش عواطف و رفتار و کنش خود، تمامی خط و مرزهای خود را از این گروه باطل جدا کنند؛ زیرا نمی شود در زبان و گفتار، حسینی اما در عمل همراه با یزیدیان بود.

اظهار برائت از دشمنان

همانگونه که زائر امام حسین عجل الله تعالی فرجه الشريف در زیارت و در اعلام وفاداری خود به امامش همه دشمنی ها و تنفر خود از دشمنان را اعلام می کند؛ لازم است منتظران نیز برائت، تنفر و خصومت خود را با جبهه باطل و یزیدیان زمان اعلام و اظهار کنند

همراهی با امام، سبک زندگی

منتظر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف
وقتی خطاب به امام حسین عجل الله تعالی فرجه الشريف می گوئیم شما زندگی سعادتمندانه ای داشتید و گذشته تان بسیار پسندیده و خوب بود و شهادت شما عزت مندانه بوده است، این نشان دهنده این است که سبک و منش زندگی امام حسین عجل الله تعالی فرجه الشريف مطلوب ترین سبک زندگی منتظران است. این سبک زندگی ما را در مسیر انتظار درست قرار می دهد. بنابراین کسی که در مسیر انتظار حرکت می کند، باید دنیایش دنیای حسینی و آخرتش آخرت حسینی باشد. سراسر زندگی اش رنگ و بوی حسین عجل الله تعالی فرجه الشريف داشته باشد تا در مسیر انتظار واقعی قرار بگیرد و همه اینها در گروی این است که عهد مداومی با ولی خود داشته باشد.

زیارت اربعین تجدید عهد و پیمان با امام معصوم

یک منتظر وقتی در مسیر انتظار قرار می گیرد، باید وفاداری خود را به اثبات برساند و قول و عمل ثابت کند که امام خود را تنها نمی گذارند و زمانی که امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف ظهور کنند با جان و دل در صف یاران قرار بگیرد. آری زائران اربعین با بذل جان و مال خود ثابت کرده اند که امام خود را تنها نمی گذارند.

نخستین نکته در فرهنگ زیبای اربعین و میراث حضرت زینب عجل الله تعالی فرجه الشريف و امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف شهادت طلبی و انتخاب راه درست و زندگی جاودانه است، به این معنی که بزرگترین ویژگی عاشوراییان در زیارت نامه عاشورا و زیارت اربعین روحیه شهادت طلبی، مبارزه، زیر بار ظلم نرفتن، حق گرای و حق محوری است. این روحیه باید به منتظران امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف و زائران امام حسین عجل الله تعالی فرجه الشريف منتقل شود.

این روحیه باید از نسلی به نسل بعد و از فرهنگی به فرهنگ دیگر منتقل شود تا به اوج شکوفایی خود در عصر ظهور برسد. منتظران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف باید بدانند قیام امام حسین عجل الله تعالی فرجه الشريف و ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف برای خیرخواهی امت و نجات بخشی مردم از جهالت به دست ولی خداست و راه نجات ما نیز منحصر به تبعیت از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف است.

فرهنگ نامه زیارت اربعین تابلویی است بر سر واقعه عاشورا

اگر بخواهیم به راز قیام عاشورا و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف پی ببریم، باید به زیارت اربعین توجه کنیم. در این زیارت خطاب به امام حسین عجل الله تعالی فرجه الشريف عرض می کنیم شما با شهادت خود موجب شدید ما و بشریت از جهالت و دنیاگرایی نجات پیدا کنیم. این فرهنگ باید به منتظران منتقل شود و زائران امام حسین عجل الله تعالی فرجه الشريف و منتظران امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف باید پیام آور، حافظ و نگهبان این مسیر نجات بخش و رستگاری باشند.

لزوم دشمن شناسی در فرهنگ اربعین

زائر امام حسین عجل الله تعالی فرجه الشريف و منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف نه تنها لازم است حواسش به توطئه های دشمن باشد؛ بلکه باید شناخت درستی از دسیسه های آنها نیز داشته باشد. در نگاهی به عاشورا و زیارت اربعین می بینیم که خیل عظیمی از دنیاگرایان و آخرت فروشان، یاران نفاق، فساد و افراد پست و پستی گزینان در صف مقابله با امام حسین عجل الله تعالی فرجه الشريف بودند؛ این سیر تا زمان ظهور ادامه دارد. منتظران عاشورایی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف به هیچ شکل زیر بار زور، نفوذ و وادادگی نمی روند؛ زیرا این درسی است که از زیارت اربعین گرفته اند.

لزوم نصرت و همراهی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف

نصرت و یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف تنها با زبان و پیاده روی اربعین اثبات نمی شود. نصرت باید واقعی باشد و با جان و دل همراه امام خود باشیم؛ چرا که علت اصلی شهادت امام حسین عجل الله تعالی فرجه الشريف و مظلومیت اهل بیت عجل الله تعالی فرجه الشريف عدم همراهی واقعی شیعیان با ایشان بود. در این زیارت، زائر، خود را هم رنگ امام می کند و به پیامش و قیامش ایمان دارد و خود را برای رجعت امام حسین عجل الله تعالی فرجه الشريف آماده می کند تا در کنار او در خدمت جبهه حق قرار بگیرد.

نصرت و یاری امام، یکی از کلیدهای نزدیک شدن ظهور است

نصرت و یاری امام یکی از کلیدهای نزدیکی ظهور است، اما چیزی که ما الان نیاز داریم، نصرت و تبعیت واقعی و خالصانه است؛ به این معنا که با تمامی وجود و امکانات باید خود را برای همراهی امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشريف آماده کنیم و در این راه مسئولیت پذیر باشیم؛ در غیر این صورت، زیارت امام شهید کار سختی نیست.

معرفی کتاب... فیض حضور | مؤلف: عباس کفایی قاینی



بخشی از کتاب:

اولین موشک پرتابی که ایده شهید چمران بود و کروکی کرده و کشیده بود و طول پرتاب ۳ متر هم بیشتر نداشت را شهید مجد ساخت و در سال ۵۹ در شش ماهه اول جنگ آزمایش کرد.

شهید ابراهیمی مجد در خیابان ۱۷ شهریور تهران و از مهندسی جوانی بود که در کنار شهید چمران در جبهه های سوسنگرد با استعدادی که داشت توانست برای ساخت و تعمیر اسلحه و سنگرهای بتنی و رفع کمبودهای ستاد جنگ های نامنظم کارگاهی را احداث کند. با توجه به خلایق وی برای اولین بار با طرح شهید چمران موفق شد موشک های زمینی و آبی بسازد که این امکانات در مقابله با تاکتیک های جنگی دشمن به کار می رفت.

مصطفی ابراهیمی مجد سرانجام در شهریور ۱۳۶۰ به علت بروز مشکلاتی در آزمایش یکی از موشک هادر منطقه دارخوین به شهادت رسید و پیکرش در قطعه ۲۴ ردیف ۹۵ شماره ۲۴ گلزار شهدای بهشت زهرا عجالتاً به خاک سپرده شد.

تمام مدت خود شهید من را همراهی می کرد

کفائی نویسنده کتاب «فیض حضور» در خصوص چگونگی آشنایی با شهید

ابراهیمی مجد گفت: سالها قبل در حسینیه ارشاد، سازمان بسیج مهندسیین جلسه ای ترتیب داده بود که سخنران آن مهندس چمران بود، با توجه به جو خاص جلسه ایشان از یک مهندسی نام بردند که با شهید چمران در امر ساخت موشک همکاری می کرد. همانجا علاقه مند شدم تا این شهید را بشناسم. هیچ چیزی از این شهید نمی دانستم و حتی اسمش به خاطر من مانده بود. به دنبال پیدا کردن شهید بودم ولی هیچ سرنخی از شهید نداشتم تا بالاخره روزی در یادمان هفتاد و دو تن نبری را دیدم که شهدای شاخص از جمله مهندس ابراهیمی مجد را معرفی کرده بود. سر مزار رفتیم وصیت نامه اش را خواندم و نکته جالبی که در وصیت نامه اش درباره دیدار با امام زمان عجل الله تعالی فرجه له گفته بود را دیدم. ولایت پذیری عجیب شهید برایم جالب توجه بود.

وصیت نامه شهید

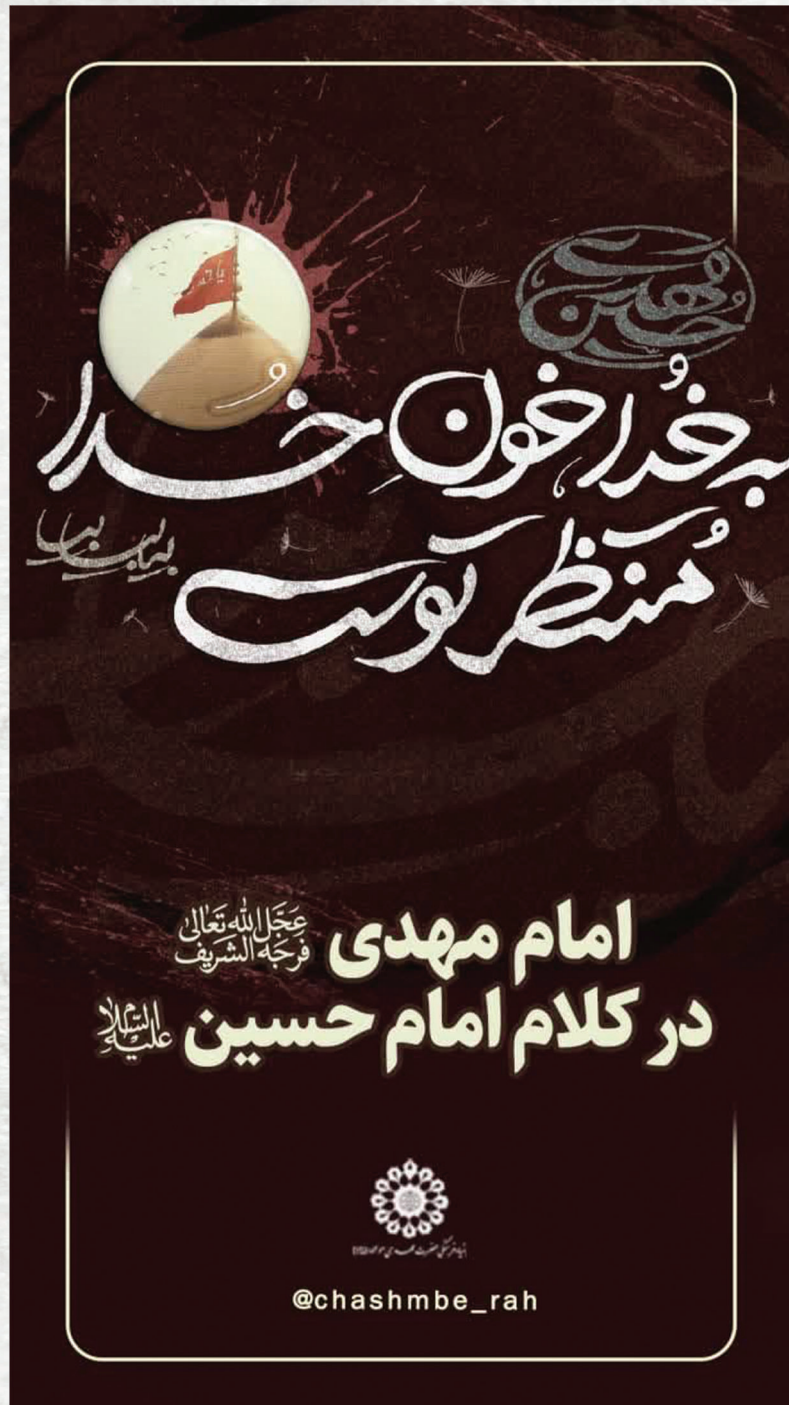
استغفرالله...

من مصطفی ابراهیمی مجد دعای فوق [دعای مشلول] را که در زیارت حضرت صاحب الامر آمده تا به انتها جزو اعتقاد خود دانسته و این زیارت را به این جهت بیشتر متذکر شدم چون در انتهای دعا امام عصر عجل الله تعالی فرجه له را شاهد و گواه بر شهادتین خود می گیرم و از شما می خواهم که دعای فوق را خوانده و در آنجا من شهادتین را بطور کامل پذیرفته ام و علت ذکر نکردن فقط به خاطر طولانی شدن وصیت نامه است ... برادران و خواهران در این زمان رحمت خدا به تمامی بر ما نازل گشته و در این روزها خداوند بزرگترین لطف را بر ملت ما کرده است و اسباب و مرگ لقاء خود را برای ما فراهم ساخته است و مبادا که غافل باشید. خدایا تو را شکر می کنم که عشق حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له را در دل من جای دادی و خدایا تو را شکر می کنم که مرا به زیور ایمان آراستی... بگذارید بعد از مرگ بدانند که همانطور که اساتید بزرگمان می گفتند نوکر محال است صاحبش را نبیند من نیز صاحبم را، محبوبم را دیدار کردم اما افسوس که تا این لحظه که این وصیت را می نویسم، دیدار مجدد او نصیبم نگشت. بدانید که امام زمانمان حی و حاضر است و او پشتیبان همه شیعیان می باشد. از یاد او غافل نگردید. دیگر در این مورد گریه مجالم نمی دهد بیشتر بنویسم و تا این زمان دیدار او را برای هیچکس نگفتم مبادا که ریا شود و از آن دیدار به بعد چون دیگر تا این لحظه او را ندیده ام تمام جگرم سوخته است.

و اکنون به جبهه می روم تا پیروزی اسلام را نزدیک سازم و راه را جهت ظهور آن حضرتش باز سازم و امیدوارم که آن حضرت حکومتش را در زمان حیاتم ببینم (وان حال بینی و بینة الموت) و خدایا اگر مرگ بین من و او حائل شد مرا از قبر خارج ساز، هنگامیکه ظهور آن حضرت انجام گرفت در حالیکه کفن بر تن دارم و ... شما برادران و خواهرانم: فرزندانمان را به عشق مهدی عجل الله تعالی فرجه له آشنا سازید و آنان را برای جهاد در راه آن حضرت همیشه آماده نگهدارید.



تو قیام عشق و شهادتی همه قدی و همه قامتی
تو بیا که صبح قیامتی تو بیا که ظهر محرمی



مجموعه عکس نوشته

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کلام امام حسین علیه السلام

، برای مشاهده این مجموعه

کدرو بروراسکن کنید و یا به کانال بنیاد مهدویت به آیدی

@CHASHMBE_RAH

مراجعه نمایید



الهی بحقّ الحسین علیه السلام، عجل لولیک الفرج

زیارت سیدالشهدا علیه السلام آنقدر مهم است که اهل بیت علیهم السلام حتی در شرایط خوف و خطر نیز کسی را از رفتن به کربلا نهی نکرده‌اند و توصیه فرموده‌اند که هر روز از راه دور یا نزدیک آن حضرت را زیارت کنیم. امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود به نام سدیر فرمود: «آیا مزار حسین علیه السلام را هر روز، زیارت می‌کنی؟». گفت: نه!

فرمود: «چقدر جفاکاری!...»
سدیر گفت: فدایت شوم! میان ما و او فرسنگ‌ها راه است.
امام فرمود: «به بالای بام خانه‌ات برو. سپس به سمت راست و چپ توجه کن و آن گاه، سرت را به سوی آسمان، بالا ببر و به سوی قبر حسین علیه السلام رو کن و بگو:
السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ،
السَّلَامُ عَلَیْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ
با این کار برایت، يك زیارت نوشته می‌شود و این زیارت، معادل يك حج و عمره است»
الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۴، ص: ۵۸۹

شاید بتوان گفت مهم‌ترین روز زیارتی امام حسین علیه السلام روز اربعین است.
زیارت اربعین در کلام امام عسکری علیه السلام از نشانه‌های شیعه برشمرده است.
وسائل الشیعه ج ۱۴ ص ۴۷۸

لذا نباید از راه نزدیک و دور، از این زیارت غفلت کرد.

